

بهسازی یا بازسازی دینی؟ کدامیک؟

نوشته نادر حسن زاده

"اصلاح دین یا فراتر از آن" عنوان برنامه ائی بود که در دو قسمت در برنامه **پرگار** (۱۸ و ۱۹/۱۰/۱۳۹۵) تلویزیون بی بی سی با حضور آقایان **محمود صدیقی** جامعه شناس، **سروش دباغ** پژوهشگر مطالعات اسلامی و **رضا علیجانی** فعال ملی-مذهبی بررسی شد.

پرسش اصلی هر دو قسمت برنامه این بود: اصلاح یک دین از کجا به بعد ممکن است تبدیل به بازسازی دین و حتی برساختن یک دین جدید بشود؟ چه مرزی می تواند در تشخیص بین اصلاح دین و ساختن یک دین جدید به ما کمک بکند؟

در این برنامه از سه جریان مهم نواندیشی دینی (۱) **جریان اصلاح دینی یا پروژه اصلاح**، (۲) **جریان بازسازی دینی یا پروژه نجات** و (۳) **جریان معنویت گرایی فرا-دینی یا پروژه عبور** سخن به میان آمد اما بیشترین تمرکز برنامه روی **دو جریان اصلی بازسازی و بهسازی دینی** بود.

توصیه من به ایشان و همه نواندیشان دینی: غور در کنه قرآن در حد غریق، غور در کنه علوم مربوط به سلول شناسی و نجوم در حد دقیق و نیز غور در کنه نماز در حد رفیق است. تا شاید این بار فیض روح قدس به ما هم مددی فرماید تا بعنوان یک روشنفکر نواندیش دینی-علمی و نه نواندیش دینی-میلی به اندازه وسع و تکلیف خود به درمان درد مزمن مسلمانی کشورهای بظاهر اسلامی بپردازیم.

چه خوش گفت مرحوم اسدآبادی: رفتیم به غرب اسلام دیدیم بدون مسلمان. برگشتم به شرق مسلمان دیدم بدون اسلام.

تاریخ نشر: ۲۳ دی ۱۳۹۵. تاریخ دهمین نسخه بازبینی ۲۸ فروردین ۱۴۰۳



موضوع برنامه دو قسمتی پرگار از تلویزیون بی بی سی فارسی (BBC) "اصلاح دین یا فراتر از آن" بود که با حضور آقایان محمود صدری جامعه شناس، سروش دباغ پژوهشگر مطالعات اسلامی و رضا علیجانی فعال ملی-مذهبی مطرح و واکاوی شد. مجری برنامه آقای **داریوش کریمی** در ابتدای بخش اول برنامه سخن خود را با این دو پرسش آغاز کرد:

۱. تلاش برای اصلاح یک دین از کجا به بعد ممکن است تبدیل به بازسازی دین و حتی برساختن یک دین جدید بشود؟

۲. چه مرزی می تواند در تشخیص بین اصلاح دین و ساختن یک دین جدید به ما کمک کند؟

در قسمت دوم برنامه موضوع بازتر شد و سؤال سومی مطرح شد به این مضمون که اگر این دستگاه دینی چون یک اتوبوس فرسوده دارای نواقص و معایب فنی زیادی هست چه نیازی به بازسازی و بهسازی آنست؟ آیا بهتر نیست طرح نوئی انداخته شود و دستگاه جدیدی با ساختارهای محکم اگر هم دینی نباشد ساخته و پرداخته بشود؟

آقای صدری در آغاز برنامه قسمت اول از دو واژه "بازسازی دین" یا "بهسازی دین" (reconstruction and improvement of religion) سخن به میان آورد و طی آن تعاریف خود را از آنها اعلام داشت. به نظر ایشان در نواندیشی دینی دو جریان فکری غالب هستند:

۱. **جریان بازسازها** (احیا کنندگان دین) که عناصر رادیکال هستند و امثال **اقبال لاهوری** (فیلسوف و شاعر پاکستانی)، **شریعتی!** و **سروش و پسرش آقای دباغ** و غیره آن را نمایندگی می کنند.
۲. و **جریان بهسازها** چون خود او، آقای **کدیور** و غیره جزو اصلاح طلبان دینی هستند که همزمان که بفکر اصلاح دین هستند به رونق و توسعه جامعه هم فکر می کنند و خرافه زدائی از دین جزو الویت اول آنها محسوب نمی گردد.

استدلال او در بحث خرافه پرستی این بود که **مرحوم احمدکسروی** جزو اولین کسانی بود که عنوان "پاک دینی" یا "بازسازی" را مطرح کرد غافل از اینکه پیرایش بیش از حد دین منجر به پیدایش نحله های فکری ضد خود، ناسیونالیسم صرف و به تعبیر دیگران وهابی گری می شود. او اعتقاد داشت کشور هند مرکز خرافه پرستی است اما خرافات مانع رشد و توسعه و آبادانی آن کشور نشده است. زیرا مدرنیته یک حقیقت انکار ناپذیر است و باید با آن همراه بود.

روشنفکران دینی (بازسازها و بهسازها) این مسئولیت تاریخی را دارند که با هماهنگی با هم و نه با ضدیت با هم پروژه تحول دینی و اجتماعی را در ایران جلو ببرند. او می گفت تفاوتها در بنیادهای فکری آقای اقبال با آقای ابوکلام آزاد (متفکر هندی) موجب جدائی پاکستان از هندوستان شد!

همچنانکه نظریه های نامتعارف امثال آقای سروش مثل **رویا بودن آیات قرآن** (مراجعه شود به نوشته پیام آسمانی: هم خوانی کار سلول با کار انبیا، ۱۳۹۵در همین سایت) موجب تقویت جبهه بنیادگرائی در داخل کشور شده است. برای ایشان سخت بود باور کند آقای سروش بیآید خدای اسلام را که می بیند، می شنود، سخن می گوید و وحی می کند، به یکباره تبدیل بشود

به خدائی که نه وحی نکند و نه کار دیگر و پیامبر هم از آن طرف فردی است فعال مایشاء که آیات را در خواب و رویا می بیند. این کار او به اعتقاد بعضی خارج شدن از دین و یا اصول دین است. او را تکفیر و متهم به آوردن دین جدید می کنند. آقای دباغ پسر آقای سروش هم معتقد بود همه آزادند اندیشه خود را ابراز بکنند و تا کی باید نگفت صرفاً به این دلیل که الان وقتش نیست! بعد هم در تأیید حرف پدر می گفت رگه هائی از وحیانی نبودن آیات در تفسیر المیزان علامه طباطبائی و اسفار ملاصدرا و.. دیگران بوده و این حرف جدیدی نیست. پدر ایشان فکر بلند مدتی دارند و معتقدند بدون بازسازی دینی امکان توسعه کشور وجود ندارد.

آقای علیجانی هم با ذکر مثال داستان موسی و شبان، چون مولانا اعتقاد داشت تصور و توصیف هر کس از خدا متفاوت است و چنین است که بحث های آقای سروش در حوزه آکادمیک معنا پیدا می کند. وی باور داشت هر کسی به نحوی از انحاء (داخل گیومه) وحی را بپذیرد خارج از دین نیست و اگر پارادایم سنتی وحی توسط تعدادی زیر سؤال رفته بیشتر به این جهت است که تصور می کنند وحی یک نقش ضبط و پخش دارد. در حالیکه ضمیر خودی، قدسی و کیهانی پیامبر در میدان مغناطیسی وحی برای اتصال با خدا بسیار تعیین کننده بوده است.

خلاصه بحث تا اینجا کار:

1. آقای صدری معتقد بود روشنفکر اگر مسئول سرنوشت مردم، تاریخ، آبادانی و آزادی کشور خود نیست بهتر است استعفا بدهد و بعنوان یک روشنفکر محض برود در پی یافتن حقیقت (کدام حقیقت؟ لابد حقیقت وحی؟).
2. آقای دباغ می گفت ایران که بودیم می گفتند گفتن بعضی مسائل به مصلحت نیست! (کدام مسائل؟ لابد شک در اصالت وحی؟).

3. آقای علیجانی می گفت اگر پارادایم سنتی وحی جوابگوی نیاز امروز نیست اشکالی ندارد تعریف جدیدی از آن داد!

برداشت من از مباحث فوق:

آدم نگران می شود نکند پشت پرده دین، دین دیگری باشد؟ پشت فکر پیامبر، فکر دیگری باشد!

قبول دارم دغدغه هر سه آقایان وضعیت فعلی ایران، دین گریزی بخشی از جامعه ایران، تغییر تدریجی سبک زندگی مردم ایرانی و بی پاسخ ماندن پرسش های دینی نسل جوان ایران و بلعیده شدن کل ملک و فرهنگ ایران در یک بزنگاه تاریخی است. اما بپذیریم مردم هم در این امر بی تقصیر نیستند، روشنفکران گریزپای ما هم بی عیب و نقص نیستند. چند کتاب وزین در این مدت (پس از انقلاب) نوشته شد که راهگشا باشد؟ سرانه مطالعه مردم کشور را از چند دقیقه به بیش از چند دقیقه افزایش دهد؟ آنچه در اختیار نسل جوان است موبایل و اینترنت است. موبایل جایگزین همه نداشتن ها و اینترنت جایگزین همه ندانستن ها است! خیلی ها امروز معتاد چت و پست روم هستند خودشان خبر ندارند. کلاس درس هم کلاس چت بازی و چیت سازی است. میهمانی ها هم فرصت نمایش عکس و تصویر این و آن است.

بنابراین تکان دادن این نسل گرفتار در روزمرگی با تردستی و بهدستی میسر نیست. البته تعدادی هستند دغدغه های جدی دارند! از بی هویتی ها رنج می برند! از بلا تکلیفی گریزان هستند، مباحث جدی را پی می گیرند و از نسخه های نجات متفکرین بنام شاخ در می آورند!

یکی از اینها نسخه های لاعلاج نظریه رویا بودن آیات از سوی آقای دکتر سروش است.

متأسفم که بگویم پاسخی هم که برخی صاحب نظران در ایران به این توهم آقای سروش دادند کمتر از خواب و خیال آقای سروش نبود. من در مقاله پیام آسمانی: هم خوانی کار سلول با کار انبیا، مفصلاً به آن پرداختم و متذکر شدم تا کسی زبان علم و زبان انجم و ده ها زبان دیگر را نداند و توفیق الهی نصیب او نشده باشد سراغ این مباحث نرود که تیری است در تاریکی! یا بهتر بگویم فیلی است در تاریکی! در این موضوع جدید برنامه پرگار (اصلاح دین یا فراتر از آن) به نوشته کوتاه آقای آرش نراقی در وب گاه نواندیشی دینی (۲۷ مرداد ۱۳۹۵) رسیدم که تعبیر آقای صدری را بدرستی تشریح می کرد. به نظر ایشان سه جریان فکری و سه پروژه غالب این جریانات فکری به شرح زیر می باشد:

۱. جریان اصلاح دینی یا پروژه اصلاح

۲. جریان بازسازی دینی یا پروژه نجات

۳. جریان معنویت گرایی فرا-دینی یا پروژه عبور.

- **پیروان جریان اول** که بنام "جریان اصلاح فکر دینی" و پروژه در دست ایشان بنام "پروژه اصلاح" است تلاش می کنند در دین تحوّل ایجاد بکنند اما در چارچوب منطق درونی خود دین و با التزام به "هسته سخت دین". به بیان دقیق تر، این جریان به منابع حجیت درون دینی التزام اصلی و اولی دارد، اما برای موارد ضد و نقیص (ناقض نقض نشده) واکنش یا پاسخی مناسب ارائه بدهد. البته همین پاسخ علی الاصول می تواند- در صورت ضرورت- تا مرز تحولات بنیادین در فکر دینی پیش برود. به بیان ساده تر، در حلقه اصحاب این جریان، تلاش آن است که تا حدّ امکان با حفظ "هسته سخت" دین به اصلاح دین اقدام شود- هرچند که راه تحوّل در "هسته سخت" دین در صورت ضرورت بسته نیست. بنابراین، پروژه اصلاح فکر دینی نوعی محافظه کاری دینی است که راه را بر رادیکالیسم دینی نمی بندد.
- **جریان دوم** بنام "جریان بازسازی دینی" و پروژه در دست اجرای ایشان بنام "پروژه نجات" است. یک بازساز دینی در مقام تحوّل بخشیدن به دین، التزام اصلی و اولی به منطق درونی دین یا "هسته سخت دین" آن ندارد. بلکه می کوشد برای رسیدن به هدف خود به "هسته سخت" دین نفوذ بکند و آن را بازسازی کند. نتیجه کار این نوع نواندیشی می تواند:

❖ الف- آمیزه ای باشد از عناصر قدیم (برگرفته از هسته سخت و نرم دین مادر) و عناصری تازه (برگرفته از منابع

دیگر جز دین مادر) که در آرایشی تازه در کنار هم می نشیند، یا

❖ ب- از حیث صورت و ماده کاملاً متفاوت از دین مادر باشد.

حاصل تلاش **جریان بازسازی**، می تواند موجب پیدایش "فرقه جدید" (مانند فرقه تشیع یا فرقه تسنن، یا فرقه اسماعیلیه، یا فرقه زیدیه یا بسیاری از فرق کلامی یا صوفیانه در اسلام) و یا دین جدید بشود. به نظر من پروژه فکری آقای دکتر سروش و آقای دکتر مجتهد شبستری از اصلاح فکر دینی آغاز شد، اما در نهایت به پروژه بازسازی انجامید.

- **جریان سوم** موسوم به **جریان "معنویت گرای فرادینی" و پروژه در دست ایشان "پروژه عبور"** است. این جریان اصولاً ملاحظه تحوّل بخشیدن در قلمرو دین را رها می کند. این امر البته لزوماً به معنای بی اعتنایی یا بی حرمتی به دین نیست. به نظر من در اینجا داوری این است که ارزش اصلی و اساسی دین در عناصر معنوی ای بوده است که توسط دین عرضه می شده است. اما در روزگار ما یا اساساً "پروژه نجات" (برغم باور قائلان به اصلاح دین یا بازسازی آن) تلاشی عقیم است، یا به هر حال زیاده دشوار و کم بار. و بنابراین، در وضعیت کنونی آب معنویت از چشمه دین چندان گل آلود می تراود که شاید بهتر باشد تشنگان به سراغ سرچشمه های دیگری بروند تا همان آب را اما زلال تر بنوشند- بی آنکه لزوماً آن چشمه های پیشین را گل بگیرند. بنابراین، جریان معنویت گرا ضمن احترام به گوهر دین می کوشد آن را از سرچشمه های دیگری بجوید، و به این ترتیب کار و بار تحوّل را از سطح دین به سطح معنویت برمی آورد. به بیان دیگر، این جریان از "پروژه اصلاح یا نجات" به "پروژه عبور" می رسد.

قبل از شروع بحث لازم است به چند نکته مهم و حساس زیر اشاره شود:

۱. در این دنیا همه آزادند فکر کنند، ارائه نظر و ارائه طریق نمایند، تعامل، تبادل، تسامح و تضارب آرا بکنند تا بهترین ها گفته و شنیده بشود. اما در مسائل دینی وضع کلاً فرق می کند. نظریه پردازان این بخش باید اعلام بکنند در تخصص خود دارای چه نوع آوری و چه نظریه پردازی بی بدیلی بودند که بر پایه آن به خود جرات داده اند در دین خدا ایجاد تحول شگرف بکنند!
۲. آقای صدری بر چه اساسی آقایان اقبال و شریعتی را جزو جریان بازسازی دینی معرفی می کند که تفکر رادیکال داشتند! یکی بعنوان ایدلוג نهضت اسلامی عامل جدائی پاکستان از هند شده است و دومی لابد ایدلוג انقلاب و عامل استقرار نظام جمهوری اسلامی در ایران!
۳. یک قرن می گذرد تا یک مصلحی نواندیش، آزاداندیش و جهان شمول اندیش بنابر نیاز دنیا در یک اقلیمی ظهور پیدا بکند. انسانهایی که تک بعدی نیستند بلکه جامع شرایط هستند. برگه ماموریت دارند. در مورد اسلام، تنها مرجع و منبع ایشان قرآن است و اسلام را با قرآن محک می زنند. اتفاقاً رسالت ایشان نه بازسازی، نه بازنگری، نه بهسازی و نه چیز دیگر بلکه صرفاً بازخوانی رمزهای قرآنی است (مراجعه شود به مقاله من بنام "پیام آسمانی-همخوانی کار سلول با کار انبیا" در همین سایت). هیچکس قادر به خواندن آنها نیست مگر مصلحین مامور از سوی خدا. بابت آن زندانها می روند، تبعیدها می شوند. اما رسالت الهی را به بهترین وجه به سرانجام می رسانند. یک ملتی را در یک مدت کوتاه پرسشگر می کنند و پس از بخشیدن آگاهی، صحنه را در بهترین زمان ممکن ترک می کنند. ایشان در حیات مبارک خود هر سختی را به جان می خرنند تا با شمع وجود خود نسلی را احیا کنند. احیای نفس متفاوت

از احیای تن است. هر چقدر مخلص تر محصول خالص تر. امام حسین در صدر این مصلحین است. او پس از پدر اولین مصلح است و امام زمان آخرین ایشان. دیگران هم ماموریت خود را دارند.

۴. اما کسی که از ماهیت یک سلول، یک ستاره، نحوه پیدایش زمین و آسمان ها و از ماده سازنده دنیا بی خبر است چگونه می خواهد وارد هسته سخت دین بشود؟

۵. کسی که مدعی باز خوانی الواح است اتفاقاً زبان ساده و بی پیرایه دارد. با لغات بازی نمی کند، ادای روشنفکری در نمی آورد. به داشتن خط زیبا/لباس زیبا/کرسی فلان و بهمان تفاخر نمی کند بلکه لغت را به اذن او آسان و آسمانی می کند، نشان دار (labeled) می کند بطوریکه شنیدن آن برای عموم مردم گوش نواز، الهام بخش و مسولیت آور باشد.

۶. روشنفکر و نواندیش دینی یک کلمه نوترکیب ساده نیست یک دنیا رسالت و مسئولیت است. آتش پرومته است. نمی آموزد، آگاه می کند، بیدار می کند. طبیعی هم هست ساختن مردم به ازای سوختن خود و خانواده است. اخوی می گفت چند سال پیش با خانم دکتر شریعتی سوار اتوبوس شدم. یک نفر از ایشان بلند نشد جای خود را به او بدهد (چون نمی شناختند). می گفت می خواستم داد بزنم ای مردم این خانم دکتر، دکتر زمان شاه، خواهر شهید شریعت رضوی، همسر دکتر شریعتی و مادر چند فرزند رشید است!

حالا که نکته ها را گفتم از این بعد راحت تر می توانم استدلال علمی بکنم تا آقای دباغ نفرمایند اگر پدر حرف های نامتعارفی می زند که نمی زند زیرا او آینده را می بیند و نمونه اش **نظریه قبض و بسط** اوست که با اقبال خواص روبرو شده است به او پاسخ متقن و مستدل بدهند. یا آقای مجری نفرمایند یک فیلسوف نباید برای نظریه پردازی مجوز کسی را بگیرد. معلوم است اجازه هر کسی دست خودش هست. اما اجازه دست درازی به هسته سخت دین (محکمت) با خدا و لاغیر است. اگر نگویم عین کفر است، بی احترامی به خدائیت و دانائیت خداست. ابلاغ رسالت مهمتر از خود رسالت است.

فرقه سازی که هنر نیست. آنهم فرقه سروشیه!

اینکه چرا همه را به حرم راه نمی دهند (هسته نرم دین) و یک فرد را برغم یک عمر تحقیق و داشتن یک فرغان مکتوبات علمی و محفوظات دینی در پوسته دین قرار نمی دهند برای این است که او از پاسخ دادن به این سؤال مهم که تو در برون چه کردی که درون خانه آئی! عاجز است. مگر می شود با این اعتقاد (رویا بودن آیات) به اصول دین پایبند بود! نماز یومیه خواند! به زیارت مسجد نبی رفت! به او متوسل شد! یک مسلمان شکوه نبوت را از این آیه محبت آمیز خدا درباره برترین نبی خود (اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ) می آموزد.

اینجاست که می گویم درست است ادیان الهی ساخته بشر نیستند اما پرداخته بشر که هستند!

دکتر شریعتی در کتاب بازگشت به خویشتن خود می گوید "در نیمه قرن ۱۹ درست در همان سالهایی که دول اروپا خیمه های سیاسی اقتصادی و فرهنگی خود را در آسیا و آفریقا بر پا می کردند و روشنفکران و نویسندگان اروپایی از استثمار سخن می گفتند و در اروپای غربی و انگلیس جنگ طبقاتی و رهایی کارگر و مبارزه با سرمایه داری و مساله جامعه آزاد و

برابر انسانی و سوسیالیسم و سندیکالیسم و نفی دولت و جامعه بی طبقه مطرح بود این کشورها صحنه مبارزات طبقاتی و سندیکایی بود و بحث از انقلاب طبقاتی و شخصیت توده و استقرار مالکیت اجتماعی بود، در کشورهای اسلامی امام زمان های دروغی ظهور می کرد و پیغمبر و خدا و باب و بهاء و "وهابیت" و غایله دین سازی و جنگ بابی و بهایی و ... مطرح می شد".

بنابراین یک بار برای همیشه باید گفت انسان به روز می شود، دینداری به روز می شود، اما دین به روز نمی شود بلکه به روز فهمیده می شود. زیرا آیات الهی درجات یک خط کش یا زبانه های یک ترازوی فوق دیجیتال هستند که کاملاً محافظت شده هستند. کتاب تاریخی نیست که بدرد عتیقه فروشی ها بخورد. بلکه دین الی ابد است. هر قرنی برداشت خود را از آن دارد و این زنده بودن این دین و هر دینی را نشان می دهد. دین اسلام اگر تحریف می شد مطمئناً در مقابل تحولات و سیر تاریخ کم می آورد و محتاج نسخه جدیدتر بود. در حالیکه تفاسیر مشهور قرآنی تا به امروز از تفسیر علمی و علم یقینی قرآن عاجزند. همه اش صحبت از **والله اعلم - الله يعلم است**. شواهد بسیاری هم موید این حقیقت است.

کشف نسخه قدیمی قرآن در دانشگاه بیرمنگام (۱۳۹۴) که قدمت آن به ۱۳۷۰ سال قبل می رسد. نسخه ای که ظاهراً در حیات طیبه خود پیامبر نوشته شده است نشان از جاودانگی قرآن دارد (نظر من ذیل خبر مورخ ۱۳۹۴/۵/۳ سایت [بینانیوز](#) تحت عنوان "**خشکسالی و عدم نزول برکات ناشی از گناهان است**". فایل ۱۹۸). **نسخ قرآنی صنعا** هم که به صورت دست نوشته در سال ۱۹۷۲ میلادی در مسجد جامع صنعا کشف شد و توسط آلمانیها مرمت و خوانش شد تفاوت چندانی با قرآن فعلی نداشت (نسخه های خطی صنعا. [ویکی پدیا](#)، ۲۰۱۶).

طبق منبع فوق، دست نوشته ها حاوی مطالب قرآنی و غیرقرآنی هستند. از مهم ترین آنها، دست نوشته ای است که دارای دو لایه نوشته است که هر دو قرآنی اند: نوشته بالایی تقریباً با قرآن امروزی یکی است (به جز تفاوت در اعراب) ولی نوشته زیرین تفاوت های قابل ملاحظه ای با قرآن فعلی دارد (۲۵٪ اختلاف). این تفاوت ها به هزار و یک دلیل می تواند بوجود آمده باشد. اما وجود نسخه کامل در بین دست نوشته ها بر صحت حفظ شدگی قرآن کفایت می کند.

چند سال پیش **فرد معلوم الحالی** در برنامه ضد دینی خود تبلیغ می کرد که در کشور یمن نسخی از قرآن یافت شده است که کل قرآن فعلی را زیر سؤال می برد! چهار سال از آن مدت می گذرد اما دریغ از یک حرف جدید (جدول ۱)! مگر بمبارانهای ناجوانمردانه عربستان در یمن از نسخ مورد نظر ایشان کشف وجود نکند تا مگر مغز مینیاتوری و روح منجمد شمالی امثال ایشان اندکی تسکین و تسلی یابد و با روح مفتون شده خود دیگران را مفتون بکنند.

علائم خوانا در متن زیرین مصحف صنعاء ^[۶]	بازسازی و نقطه گذاری متن زیرین	قرانت مشهور حفص از عاصم
(و) / (ا) [النا] [النا] ر (هـ) {فـ} (عـ) // (و) ر (و) [هـ] (د) [ع]	و انزلنا التوریه فیها نور و هدی	إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَ نُورٌ
[فح] کم [ـ] (ها ا) لا (ب) ما (ا) لد [ن] / /	فیحکم بها الانبیا الذین اسلموا	يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِيْنَ اَسْلَمُوا
و الد [ب] (ب) هد (وا) یحکم [م] و (ب) ب [م] ا برک (لا) ه) / /	والذین هدوا یحکمون بما انزل الله فیها	لِلَّذِيْنَ هَادُوا
{یحکم} بها (ا) (ل) / / و ب و ا / لا / [م] ا / سحفظ (و) [م] ک [ب] {للا} (ه) / / ک ا بو (ا) (ع) // (ه) سهد ا	و یحکم بها الرئیون و الاحبر بما استحفظوا من کتب الله و كانوا علیه شهداء	وَ الرِّبَّيُّونَ وَ الْاٰخِبَارُ بِمَا اسْتَحْفَظُوْا مِنْ كِتَابِ اللّٰهِ وَ كَانُوْا عَلَیْهِ شٰهِدًا
فلا یحسوه هم و (ا) [ح] [سو] / / {و لا ب} (س) // [و] ا /	فلا تخشوه هم و اخشون و لا تشتروا بائنی ثمنا قليلا	فَلَا تَخْشَوْنَ الْاِنْسَانَ وَ اَخْشَوْنَ وَّ لَا تَشْتَرُوْا بِاٰیَاتِیْ ثَمٰنًا قَلِيْلًا
و من لم یحکم [م] / / ابر (ل) ا (ل) ه (ف) ا و لک هم ا لک (ف) [ر] و ب	و من لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الکفرون	وَ مَنْ لَمْ یَحْكَمْ بِمَا اَنْزَلَ اللّٰهُ اُولٰٓئِکَ هُمُ الْکٰفِرُوْنَ
و / / سا (ع) لک (ب) اسر بل فیها	و کتبنا علی بنی اسرئیل فیها	وَ کَتَبْنَا عَلَیْهِمْ فِیْهَا

جدول ۱. مقایسه آیه ۴۴ و ابتدای آیه ۴۵ از سوره مائده بر اساس متن زیرین نسخه‌ی خطی صنعاء با قرانت مشهور قرآن.

تحریف در قرآن، نقیص در دین اسلام و تفسیر به رای در قرآن امر جدیدی نیست. بقول حافظ چون ندیدند حقیقت ره افسانه زدند.

ظاهرا اکبر شاه اولین کسی بود که این نیاز را در قرن دهم هجری احساس کرد و آئین بهائی آن را در قرن نوزده میلادی تکرار کرد! اکبر شاه بزرگترین پادشاه تاریخ هند در قرن دهم هجری دین جدیدی به نام "دین الهی" (جرات می خواهد ابداع دین بنام الله) ابداع کرد که آمیزه‌ای از ادیان هندویسم، اسلام، سیک، مسیحیت، کارواکا و حتی زرتشتی بود. بهاءالله (۱۸۱۷-۱۸۹۲) هم از دین بهائیت رونمایی کرد که در راستای نبوت سلسله پیامبران پیشین چون ابراهیم، موسی و بودا و زردشت و مسیح و محمد بوده است!

از ادیان من درآوردی بیشتر از اینهم انتظار نیست. اما ادیان الهی دارای ریشه واحد هستند (آل عمران/۸۵؛ البقره/۱۳۲؛...). موکد ترین آنها دو آیه **إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ - همانا دین در نزد خدا، اسلام است** (آل عمران/۱۹) و آیه ۷۸ سوره حج است: **و حق جهاد در راه او را (با دشمنان دین و با نفس اماره) به جای آرید (و در طلب رضای او به قدر طاقت بکوشید) او شما را برگزیده (و به دین خود سرافراز کرده) و در مقام تکلیف بر شما مشقت و رنج نهاده (و این آیین اسلام) مانند آیین پدر شما ابراهیم (خلیل است)، او (خدا) شما امت را پیش از این (در صحف او) و در این قرآن مسلمان نامیده تا این رسول بر شما و شما بر سایر خلق گواه (خداپرستی) باشید.**

این ادیان کارکردهای این جهانی و آن جهانی دارند. پیروان این ادیان پیام را می گیرند و به دلخواه وسع و میل خود عمل می کنند! در عمر کوتاه بشر (کمتر از ۲۰۰ هزار سال) ۱۲۴ هزار پیامبر زحمت ها کشیدند تا ادیان و آئین های الهی را در زمین مستقر کردند، سخنان خدا را ابلاغ کردند، تا فکر بشر توسعه یابد و بتواند روی پای خود بایستد.

خود قرآن می فرماید: احکام دین آنچه را که به نوح در باره آن سفارش کرد برای شما تشریح کرد و آنچه را به تو وحی کردیم و آنچه را که در باره آن به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش نمودیم که دین را برپا دارید و در آن تفرقه اندازی نکنید بر مشرکان آنچه که ایشان را به سوی آن فرا می خوانی گران می آید خدا هر که را بخواهد به سوی خود برمی گزیند و هر

که را که از در توبه درآید به سوی خود راه می نماید (شوری/۱۲). و وقتی هم که دین خدا توسط خود خدا به روز شد (اسلام)، آیه معروف (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا - سوره مائده، آیه ۳) نازل شد. یعنی اینکه این دین نسخه کامل دین ابراهیم و مصدق همه ادیان الهی است (وَهَذَا كِتَابٌ مُّصَدِّقٌ - سوره الاحقاف/۱۲) است.

پس نعمت تمام و رحمت بر قرار. از این ببعد دیگر برای ابنای بشر نبی جدید و وحی جدید نخواهد آمد. شما می توانید با این دستورات روی پای خود بایستید و اطاعت حق بکنید تا گرفتار زشتی اعمال خود و غضب خدا نباشید. اما کو گوش شنوا؟ فرقه سازی پشت فرقه سازی! اینقدر که انتظار ظهور امام زمان (عج) است آنها هم در بدترین شرایط ممکن و در اوج گمراهی بشر. تا آن زمان کار مصلحین دین غبار روبی از آیات الهی است. زیرا به گواهی تاریخ ادیان خیلی زود غبار می گیرند و خیلی زود لباس مبدل می پوشند (خطبه ۱۰۷ نهج البلاغه - اسلام را چون پوستینی وارونه خواهند پوشید).

اما در مورد امام زمان (عج) و حضرت مسیح (ع) مطالب زیادی نوشته شده است. در بیشتر ادیان انتظار یک موعود جهانی یک امر بدیهی و شناخته شده است.

اما در مورد آن دو بزرگوار باید گفت ظهور آن دو سفر کرده که صد قافله دل هممه ایشان است به پشتوانه قوی ترین مدارک است. مدرک من زنده بودن آن دو رهبر همام است. کسی که مرده است زنده نمی شود و چون زنده نمی شود مسئولیت مستقیم هم ندارد اما نظارت چرا/شفاعت چرا. درخصوص حضرت مسیح (ع) قرآن صراحت دارد به اینکه نه مسیح را کشتند و نه به صلیب کشیدند. قطعاً او را نکشتند (وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا - آیه ۱۵۷ سوره نساء) بلکه خدا او را به سوی خود بالا برده است زیرا که خدا توانا و حکیم است (بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا - آیه ۱۵۸ سوره نساء).

پیروان حضرت مسیح (ع) باید به این مژده بزرگ و متقن خدا ببالند. به این آیات قرآنی افتخار کنند که اینقدر صریح و قطع یقین بر زنده بودن او اصرار دارد.

بنابراین جز این دو منتخب حی و حاضر هر کسی در هر زمانی و هر مکانی ادعای دین جدید کرد باطل است، هر کسی ادعای ظهور امام زمان مجعول کرد باطل است، هر کسی ادعا کرد که اول آقا امام زمان ظهور می کند (۳۱۹ سال)، بعد امام حسین، بعد امام علی (۴۴ هزار سال)، بعد هم بقیه امامان باطل است.

کسی که مقرب خداست، کسی که در جنت خاص خدا منتعم است، کسی که محشور انبیا و اوصیا هست، برگشتش به زمین عین ظلم به اوست. پوشاندن لباس زمین بر روح بلند اوست. تازه برگردد به دنیا چه بکند؟ مگر یک انسان چقدر باید در عمرش زجر بکشد؟ چند بار فزت و رب الکعبه بگوید (به خدا کعبه رستگار شدم). چه کسی حاضر است به رحم مادر خود برگردد که از امامان معصوم انتظار می رود مجدداً به زمین برگردند؟ مخلدین جهنم هم که از خدا می خواهند به زمین برگردند نه بخاطر زندگی مجدد در زمین بلکه ترس از سوختن در آتش است. معلوم است یک مجرم، زمین را برای فساد می خواهد و نه اصلاح. حتی اگر هزار بار هم این رفت و برگشت به زمین و زیر زمین برای او تکرار بشود (وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ وَقَفُوا

عَلَى النَّارِ فَقَالُوا يَا لَيْتَنَا نُرَدُّ وَلَا نُكَذِّبُ بآيَاتِ رَبِّنَا وَنَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ - هنگامی که به منکران آتش عرضه می شود می گویند کاش بازگردانده می شدیم و دیگر آیات پروردگاران را تکذیب نمی کردیم و از مؤمنان می شدیم/ بَلْ بَدَأ لَهُمْ مَا كَانُوا يُخْفُونَ مِنْ قَبْلُ وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ - چنین نیست بلکه آنچه را پیش از این پنهان می داشتند برای آنان آشکار شده است و اگر هم بازگردانده شوند قطعاً به آنچه از آن منع شده بودند برمی گردند و آنان دروغگویند (آیات ۲۸-۲۷ سوره انعام).

بنابراین حضور دائمی انبیا و اوصیا در این کره خاکی نامرئی است. اما ظهور آن دو بزرگوار حتمی است.

با این استدلال چرا باید در زمین بود و آسمانی فکر نکرد؟ مگر زمین جایگاه فکر نیست؟ چرا باید یک عمر زمین بود و یک مثال فاسف نوسوزاند؟ یک روشنفکر مسلمان که نباید کار سامری بکند، پیامبر را از خودش شرمند بکند، جهنم باشد از بهشت بگوید! فلسفه بخواند و سفسطه تحویل مردم بدهد و پیش خود فکر بکند شق القمر می کند که به هسته سخت دین نفوذ می کند! والله قسم برای یک قلب سلیم یک آیه قرآن کفایت می کند که مومن ترین افراد باشد. و برای یک کافر زندیق (آنکه ایمان ظاهر کند و به باطن کافر باشد) ۶۲۳۶ آیه قرآن که سهل است کل آیات ادیان الهی به او عرضه شود مسلمان (تسلیم) نمی شود.

بنابراین، اول قرآن را بشناسیم بعد قضاوت بکنیم. شفاف سازی بلد نیستیم شبهه سازی نکنیم. هیچکس حق ندارد بازسازی دینی بکند همچنانکه کسی حق ندارد بهسازی دینی بکند. بازسازی و نوسازی مربوط به بافت های فرسوده شهری یا کارخانجات از رده خارج است (در اخبار مورخ ۱۳۹۵/۱۰/۱۸ بی بی سی گفته شد ایران برای "بازسازی و بهسازی" کارخانه های آزمایش و ارج مترصد سرمایه گذاری خارجی است).

دین خدا که کارخانه صنعتی نیست که افراد نوخیال بخواهند در آن نوسازی، بهسازی و بازسازی بکنند.

دین، دین خداست، ورشن ندارد. آیات یکبار نازل می شوند. تا ابد هم آیات خدا هستند. روز قیامت هم حکم خدا بر اساس این آیات است. آیات منزل خدا منطبق با بقیه آیات سماوی و ارضی است. یکپارچه است، ظاهرش متکثر است اما به یک باره به قلب رسول گرامی خدا نازل شده است و بتدریج برای خود آن حضرت و برای عموم.

مومنین نیک می دانند همه آیات یک روح در یک جلد هستند. کعبه خود قرآن مجسم است، علی قرآن ناطق است، حسین وارث قرآن است. نمی شود با قیچی قندشکن کله قندی را خرد کرد و از کار خود راضی بود. شیوه صحیح شکستن کله قند، چکش مخصوص قند است و هاوونی که مقدار خرده های قند را بیش از تعداد حبه ها نکند! هر ضربه چکش یک قسمتی از کله قند را جدا می کند (بدون توجه به پوسته و مغز نداشته آن). از آن پس دیگر آن کله قند به حالت اولیه بر نمی گردد بلکه تبدیل به حبه های قند و مقداری خاک قند می شود که به درد تهیه چای شیرین و حلوا می خورد!

آیا هدف "بازسازها" از بازسازی دینی، چکش زدن بر دین خرد شدن کامل پوسته و هسته سخت و نرم آن برای فرم دادن بهتر آن است؟ یا برای "گروه بهساز" هدف، ترمیم تخریب های ناشی از چکش کاری های سطح خارجی کله قند

است؟ و یا آقایان در کار خود خبره اند! مجهز به دستگاه خرد کن قند صنعتی هستند؟ خجالت کشیدم یک عکس از دستگاه قند خرد کن صنعتی تمام اتومات را در این مقاله بیاورم! شرمساری بیش از این جایز نیست.

در نظر مورخ ۱۳۹۴/۵/۳ خود در سایت [بینابوز](#) (فایل ۱۹۸) آوردم:

"این حرفها ما را به جایی نخواهد برد. حرفهای مهمتر از این در قرآن مجید در ۶۲۳۶ آیه آن موج می زند. وقتی می خوانیم روز قیامت رسول خدا از امت خود شکایت خواهد کرد: وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا (آیه ۳۰ سوره فرقان- **پروردگارا قوم من این قرآن را مهجور و متروک کردند**) ما چه جوابی داریم؟ آیا آیه صراحت برای مشکل مسلمانی ما ندارد؟

اینجاست که یکبار دیگر باید گفت و ما ادریک مسلمانی. مومنی پیش کش. آیا در بین انبیا فقط پیامبر ما دهان به شکایت خواهد گشود؟ اینکه اوج فاجعه است. آدم احساس می کند خودش هم یکی از این مجرمین است. در مهجوری صدر اسلام که حق علی را ذبح کردند دخیل است. به راحتی مثل آب خوردن آیات **إِنْ أكرمكم عند الله أتقاكم** (سوره حجرات، آیه ۱۳) و **إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤدُوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ** (سوره نسا، آیه ۵۸) و حدیث غدیر **مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ، فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ** را ذبح کردند.

با اینکه عرب زبان بودند، اصحاب پیامبر بودند، هر بار برای تعیین خلیفه بعدی توجیه خاص خود را آوردند. هزار سال هم که می گذشت تا مردم به صحنه نمی آمدند حضرات حاضر نبودند اختیار خلافت اسلامی به مدت حتی یک روز در دست علی (ع) باشد! آیا در آیه عبرت آموز فوق که برای دنیا و آخرت ماست، پیش بینی روزهای فعلی و بدتر از آن هم شده است؟ آیا امت رو به جلو نخواهیم داشت؟ آیا این روال مسلمانی تا قیام قیامت به طول خواهد انجامید؟ آیا قرآن همچنان در خانه های مردم مهجور خواهد ماند؟ تمدن اسلامی اگر بار دیگر شکل بگیرد باز امت از درک مفاهیم بلند قرآن محروم خواهند ماند؟ و مثل کرها و کورها به آیات خواهند نگریست (آیه ۷۳ سوره فرقان)، **سقیفه های عربی و عجمی خود را خواهند داشت** بدون اینکه از آن عبرت بگیرند و لذت عمل کردن به قرآن را به خواندن آن ترجیح بدهند. لابد با این آیات سواد قرآنی مسلمانان بیش از پیش ته خواهد کشید! آیا درست است کماکان استقبال از قرآن در حد قرائت، تبرک و استخاره خواهد بود؟

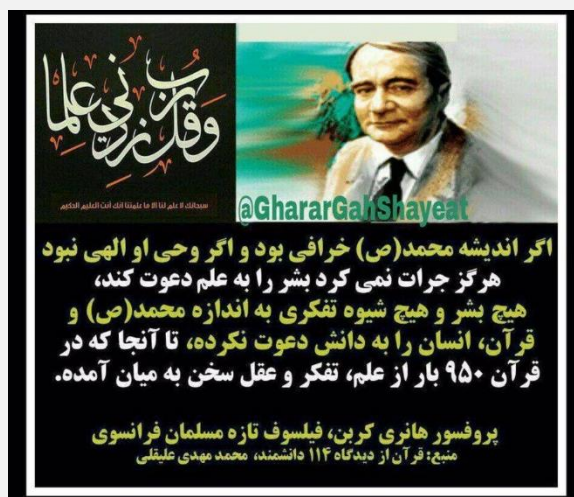
شرم من باد اگر بخوام با رفتار نامسلمانی خود، رسول مکرم اسلام را که صدها صلوات جانانه نثار او بود در بین رسولان دیگر ادیان توحیدی شرمنده بکنم.

چرا باید کاری کرد که موجب شرمندگی خود و شرمساری پیامبر خود بود؟ چرا باید مسلمانان هر کدام بهانه ائی را برای توجیه اعمال خلاف خود بیاورند و مثلاً بگویند کاش راه پیامبر را می رفتیم! کاش فلانی را دوست خود قرار نمی دادیم تا گمراه نمی شدیم (آیات ۲۷-۲۹ سوره فرقان).

مگر این آیات انسان ساز، مدینه ساز، قیامت ساز برای بی اعتنائی ما آمده است؟ مگر جواب خوبی جز خوبی است؟ قلم را کی تبلیغ کرد؟ طلب علم بر زن و مرد مسلمان حتی رفتن تا چین را کی واجب دانست؟ به آسمان نگرستن و خلقت زمین و آسمان را درک کردن را چه کسی اساس دین خود قرار داد؟ حلال و حرام ها را که ضامن امنیت فرد و جامعه است را چه کسی می توانست بهتر و علمی تر از این تدوین نماید؟ کجا گفت عالم نباش؟ کجا گفت از حلالها لذت کافی مبر؟ سربلند مباح؟ آزاد و آزادمنش مباح؟ کجای دین تاریکی است؟

اینهم برداشت هانری کوربن (Henry Corbin) از تفسیر این آیه:

فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَى إِلَيْكَ وَحْيُهُ وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا - پس بلند مرتبه است و بزرگوار خدایی که به حق و راستی پادشاه ملک وجود است و تو (ای رسول) پیش از آنکه وحی قرآن تمام و کامل به تو رسد تعجیل در (تلاوت و تعلیم) آن مکن و دائم بگو: پروردگارا بر علم من بیفزا (طه/۱۱۴).



اعلام کشف (شهریور ۱۳۹۴) قدیمی ترین قرآن دنیا در کتابخانه دانشگاه بیرمنگام مربوط به ۱۳۷۰ سال پیش (نسخه ائی که می گویند در حیات طیبه خود پیامبر نوشته شده است) افتخاری دیگر بر حقانیت دین ما مسلمانان نیست؟ موجب یاس و حرمان دشمنان نیست؟ کدام مسلمان مومن به یکی از این آیات شک دارد؟

ممکنست مسلمانان مادرزادی به تحریف و تعطیل آیات متمایل باشند و بعضا مسلمانان ۱۵-۱۰ آیه ائی باشند! اما قرص دل هر مومن اعجاز حفظ قرآن تا روز قیامت است (انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون. آیه ۹ سوره حجر). باید تنها نسخه قرآن را تبرک کنیم و نسخه های کنج خانه های خود را با آن برابر با اصل کنیم.

-ایکاش در جانماز هر نمازگزار مسلمان یک قرآن کوچک بود. تا هم چشمان ما در هر نماز به آن می افتاد منور می شد، هم پس از اتمام نماز به جای مهر، آن را می بوسیدیم، هم با گشودن آن نور بیشتری به چشمانش می تابید و هم با خواندن و درک آیات، نور هدایت شده به جانمان رسوخ می کرد.

-ایکاش روز قیامت هنگام رستاخیز در یک دست ما یک جلد کلام الله مجید بود.

قدر مسلم معجزه های دیگری هم در راه است. منتها چون فعلا تلاشی در این خصوص از ناحیه ما نمی شود در مواقع ضروری خدا بداد ما می رسد. مسئول کتابخانه بیش از ما از پیدا شدن نسخه قدیم قرآن لذت می برد. بخدا همه آیات قرآن منطبق با علم روز است. کافیت فهم شود، تبلیغ شود، و همه حق طلبان را و همه مسلمانان را به روز کرد. چرا باید ترس دیگران دیدن معجزات بیشتر کتاب آسمانی ما و ترس ما خواندن و عمل کردن به آیات قرآن باشد.

مگر می شود زمین را دوست داشت، از دریا و صحرایش لذت ببرد، بر چمنزارش بیآسود، از میوه های شبه بهشتی آن استفاده کرد، در آغوش همسر خود آرام گرفت، از داشتن فرزند خوشحال بود و ده ها نعمت دیگر و همزمان گله مند بود که چرا بیابانش بایر است! نام کویرش لوط است! کوهش خوب است اما آتشفشانش دود است! یا از فصل ها، فصل بهار زیباترین است! یا بین مرگ و زندگی، زندگی زیباست! یا جای مریخ، منظومه شمسی نیست! یا چه نیازی هست به اینهمه ستاره و سیاره دور و نزدیک؟ چند تا از آنها کم بشود چه می شود؟

قیامت و معاد چه صیغه ائی است؟ قیامت، انکار آزادیهای فردی است! مغایر با حقوق بشر است! فکر قیامت بی جاست! قیامت با جهنم بدجاست! اگر این فکرها مالخولیائی است؟ دور از واقعیت است؟ تعیین تکلیف بر خداست.

کار ما که بدتر از این ها است. غیر علمی تر است، ضد توحید است، پر از تکثر و نقیص است. نه تنها ابروی یار درست نمی شود چشمانش را هم کور می شود! اینهمه تائید علمی بر آسمانی بودن آیات بر ما مسلمانان کفایت نمی کند؟ اینقدر که دشمنان بر حقانیت قرآن اعتقاد دارند ما به آن بی تفاوتیم. ترس دشمن از کشف بیشتر حقایق قرآن است و ترس ما از اطاعت از فرامین قرآن. هر چه دیگران یافتند ما گفتیم در قرآن ما هست و هرچه قرآن از ما خواستند بکنیم و پیامبر فرمود یکساعت تفکر بهتر از هفتاد سال عبادت است بی اعتنا ماندیم.

از این رو باور کردیم کشف اسرار آیات زمین و آسمان، زنبور، گاو، شتر، مورچه و پشه برعهده دانشمندان غرب است! کشف اسرار آیات وحیانی الهی بر عهده متفکرین غرب است! کشف کتیبه های تاریخی بر عهده باستان شناسان غرب است! ساخت هواپیما بر عهده مخترعین غرب است! و چون هر کار سخت در دستور کار غرب است پس حق با غرب است. مدرنیته از غرب است، تجدد خواهی و وظیفه اندیشمندان شرق است.

تبلیغ سکولاریسم (این جهانی و نه آن جهانی) تنها وظیفه تجددخواهان است. با آبگوشت بی آبگوشت فرقی نمی کند. طبیعی است حق با کاشف است، با دانا است، با دست برتر است. مغز کار کند مغزدان می شود نکند مثل ما نمکدان می شود! آثار زوال عقل زودتر از موعد سراغ ملت های مسلمان می آید. فهم ترین ایشان مترجم ترین ایشان است. یک کمی بیشتر ترجمه بکنند بیشتر به زبان اصلی پایبندتر می شود، بیشتر به سبک زندگی غربی خو می گیرد.

از اسلام فقط روایات و احادیث می بیند و از آنها برای کوبیدن اسلام استفاده می کند. زیرا متوجه است نقطه ضعف اسلام اکثر این روایات و احادیث است. جری ترین ایشان به آیات قرآن نزدیک می شود. تیری در تاریکی را تجربه می کند و چون مقاومتی از ناحیه دین داران سنتی نمی بیند بیشتر به بنیان های دینی حمله ور می شود. توحید را منکر می شود، نبوت

را منکر می شود، معاد را تکذیب می کند، بهشت را این دنیائی و جهنم را آن دنیائی معرفی می کند. او بر خلاف ما از بهشت و جهنم خبر نمی گیرد و همه را جهنمی و خود را بهشتی نمی خواند. بلکه از همان ابتدا می گوید رفتن به آن دنیا برای او به اندازه ما جانکاه نیست!

اذعان دارد ریاضی او خوب نیست! طبیعیات او خوب نیست! نجوم سخت است! ماه نزدیک است! رویت یکبار آن در سال هم اشتباه است! باید در دین تجدید نظر کرد! حتی اگر همه قرائن دلالت بر حقانیت قرآن است. اگر هم خدا بگوید همه عالم جمع بشوند یک آیه از آیات قرآن را نمی توانند بیاورند تا برسد به کل آیات را که در یک بسته منسجم و منظم (پکیج) منطبق با ساعت دنیا و آخرت محفوظ است.

ما اسلام را کم گرفتیم، او هم اسلام را کمتر گرفت، سرانجام کار هم شد اسلام فعلی با قرائت های متعدد! چگونه می شود کل آیات محکومات را رها کرد و با ۲۰۰ آیه متشابهات کار را جلو برد؟

ما نباید برای رضای دل این و آن مجری پروژه های مختلف "اصلاح دین"، "نجات دین" و "عبور از دین" باشیم.

یا نیائیم در پاسخ به پرسش آقای مجری (از آقای دباغ) که چرا بازسازی دینی شدید؟ بگوئیم ما مجبور به بازسازی دینی هستیم چون در این دین بالیدیم و با آن بزرگ شدیم! مگر پاسخ **عبدالمطلب به سپاه ابرهه چنین بود؟** مگر او نگفت من بفکر گوسفندان خود هستم و خدا هم بفکر خانه خود. مگر خدا نفرمود قرآن ذکر محفوظ است (إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ **یعنی به درستی که ما ذکر را فرستادیم و ما خود حافظ آن خواهیم بود.** سوره حجر آیه ۹).

روز امروز نیست، دوران هم فقط این دوران نیست. روزی خواهد رسید که باز نوبت مسلمانی ما هم خواهد آمد. علم جایگاه خود را در بین مسلمانان باز خواهد یافت. شمشیرها جای خود را به علم و شکوفائی علمی و معنوی خواهند داد. بهتر از تمدن های فعلی که بر پایه زر و زور و تزویر است جواگو ملل و سازمان ملل خواهد بود. برای یک مومن شفاف تر از آیات قرآنی نیست. اینهمه هجمه به ساحت قرآن بخاطر همین شفافیت است. اسلام دین شفافیت است. دین رحمت است نه نعمت. دین دست و پا دادن است نه دست و پا گرفتن. او زندگی ی را به ما می آموزد که زینده هر دو سرا است.

در هیچ دینی حرمت نفس به اندازه اسلام پاس نگه داشته نشده است. **خانه خود را با پرده پوشانیده** (یکبار فیلم تعویض پرده کعبه را تماشا کنید ببینید چطور با دقت تمام پرده جدید را با قدیم تعویض می کنند تا حین تعویض سنگ های دیوار خانه قابل رویت نباشد. مثل تعویض سرپائی چادر مشکی میهمان با چادر گلدار صاحب خانه بدون اینکه بدن خانم میهمان رویت شود) **تا مسلمانان چه مرد و زن بر خطاهای خود حجاب بپوشانند** تا کسی جز او از عیب بندگانش آگاه نباشد، تا کسی به انفال تجاوز نکند، تا کسی لازم نبود افشاگری نکند، نجوا نکند، معترض زنان و کودکان نشود، اجبار حجاب نبود و لنگار نباشد، **تدبیر حداکثری برای رضایت حداقلی نباشد!** وگرنه نیازی به نزول آیه مشخص حجاب نبود.

خصلت زن تفاخر و تظاهر و خصلت مرد تماشای آن است. اشتباهات محاسباتی هم کار دست زن می دهد و هم مرد. همان بلائی که در بهشت خیال و بی خیالی بر سر آدم و حوا آمد. اگر آیه حجاب نازل نمی شد و اطاعت آن توسط مردان و زنان

مومن رعایت نمی شد امروز سیمای کشورهای اسلامی بدتر از کشورهای غربی بود. در عین حال توصیه خدا بر رعایت حجاب در جوانی و نه هنگام پیری است ("وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ" - آیه ۶۰ سوره نور - زنان سالخورده‌ای که از سن ازدواج آنها گذشته باشد و دیگر امیدی به ازدواج ندارند گناهی بر آنان نیست که لباسهای روئین خود را بر زمین بگذارند، در حالی که خود را آرایش و زینت ننموده باشند همانا خدا به سخنان خلق شنواست").

در بین خانم های ایرانی این برعکس است! در جوانی رونمایی و در پیری روپوشانی می کنند!

همچنانکه گفته شد حجاب هم تافته جدا بافته از دیگر آیات قرآنی نیست. طاعت از آن به اندازه وسع و شخصیت هر فرد است (می شود از آسمان هم رو گرفت/می شود از طالبان هم خو گرفت/ می شود از دین خود راضی نبود/می شود از کوه نور نوری گرفت).

دو راه بیشتر پیش پای ما نیست: یا باید فلسفه آیات را که جنبه عبادی هم دارند پذیرفت تا یک جامعه ایمن داشت و یا تابع اکثریت شد و شاهد ناهنجاریهای مخوف تر از عدم ازدواج، طلاق زودرس، رواج فحشا و وبای هم جنس بازی و غیره بود.

کلام حق به من از حق همین است

به جای حق نباش میزان همین است

همه در جای حق اما حقیرند

اگر باور کنیم باور همین است

هر که از ظن خود شد یار من/از درون من نجست اسرار من.

اینهم نمونه هائی از واکنش افراد به آیات متفاوت که من برای اختصار کلمات کلیدی مورد نظر را انتخاب کردم و گرنه هیچکس مجاز به ادای ناقص، اجرای ناقص، قرائت ناقص، برداشت ناقص، فرمان ناقص،.. نیست. بلائی که مسلمانان قرنهایست گرفتار این آفت هستند. قرائت بدون عیب و نقص آیات در بین مسلمانان ۲۰ و اجرای با نقص و پر از ایراد و ابهام در بین ایشان بین ۱۹-۱ است. قاری را بخاطر ادای ناقص یک حرف ملامت می کنند و وادار می کنند آن را تکرار کند تا به صوت و به لحن و به قرائت آسیبی نرسد! اما دست همه باز است هر آیه ائی را خواست بپذیرد، رد کند، تردید کند، خدشه وارد کند، تبصره صادر کند و..

بدبخت ها نمی دانند مشابه این آیات، آیات طبیعت است، مشابه این آیات، آیات خلقت است، آیات مربوط به موجودات زمینی و آسمانی است (و نُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ - و در صور دمیده شود، پس هر که در آسمان ها (چه موجوداتی در آسمانها هست که ما از آن بی خبریم؟ کشف این موجودات که با ما از باز ساز و بی ساز نیست. وقتی کشف شد خواهیم گفت در قرآن آمده بود!!) و هر که در زمین است

هلاک گردد جز آن کس که خدا خواهد، سپس بار دیگر در صور دمیده شود پس به ناگاه همگی آنان به پا خاسته می نگرند. (سوره زمر/ ۶۸)، آیات بدون تفسیر است، آیاتی که فقط رسول الله از آن خبر داشت.

همین دخالت‌های بی جای انسان در طول قرن‌ها بود که زمین را امروز با ده‌ها بحران زیستی روبرو کرده است. زیباترین کره دنیا به زشت‌ترین عمارت‌های نورانی تبدیل شده است، نقاشی‌های واقعی، بی بدیل و دیجیتالی خدا در زمین و آسمان که فوق **هایپر رئالیسم** یا **فرا واقعیت (Hyper Realism)** که در آن نقاشی و عکس از هم قابل تشخیص نیستند و **نانو رئالیسم (Nano Realism)** (واژه اخیر از نویسنده است زیرا از رشته میکروپ شناسی اندکی سرشته دارد و می داند زیبایی‌های خلقت‌های پنهان در زیر خاک، داخل بدن، داخل آب و روی هوا شگفت آور است) تبدیل به **نقاشی‌های سبک پیکاسو** شده است که بدرد هنر صرف می خورد تا هنر زیستن، لذت بردن، سر دیدن، فر دیدن، کلان دیدن، خدا دیدن، حقو بشر دیدن و..

نتیجه: طبیعت را باید در گالری‌ها جستجو کرد! اکسیژن را از پشت ماسک‌های جلوی دهان دریافت کرد! کودک را موجودی نایاب در جوامع شهری یافت! از آن طرف‌ها هر چه هست تباهی و سرگردانی و سرگناهی و سرکوهی است! دعوا بر سر اینست قاتل چند ده نفر، فاسد هر صد نفر را اعدام بکنیم یا روانه زندان‌ها و دارالتأدیب‌ها بکنیم که آنجاها هم جای سوزن انداختن نیست، تروریسم دولتی را چه کنیم؟ با تروریسم بین‌المللی چه بکنیم؟ اگر این دستکاریها مقبول است شما هم بروید آیات قرآن را تحریف و تعدیل و تکریم و تفسیر به رای بکنید. آیاتی که برای حیات است تبدیل به ممت بکنید. اما قبل از این کار مقاله مرا تحت **عنوان ساعت قیامت و ساحت قیامت-جهنم و بهشت** را در همین سایت یکبار هم شده بخوانید. وقت ندارید آیات منتخب زیر را بخوانید. زحمت استخراج و ویراستاری با من-زحمت مراجعه به اصل آیات با شما:

آدم نادان: از آیه "هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ" (**نابرابری دانا با نادانان**)- آیه ۹ سوره زمر.
مسلمان: از آیه "قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ.." (**مومن نیستید مسلمان هستید**)- آیه ۱۴ سوره حجرات.

کثیر مال و فرزند: کل سوره نکاتر!

زناکار: از آیه "الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ.." - (**صد تازیانه برای زنا. بدون اغماض و بدون ترحم**)- آیه ۲ سوره نور.

سارق: از آیه "وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا.." - (**قطع دست دزد بدون استثنا**). آیه ۳۸ سوره مائده.

شراب خوار و قمارباز: از آیه "يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ..." - آیه ۲۱۹ سوره بقره.

سیاستمدار: از آیه "إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا.." (**دادن امانات به اهلیش**)- آیه ۵۷ سوره نسا.

ریاخوار: از آیه "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا..." - آیه ۱۳۰ سوره آل عمران.

آدم مستبد: از آیه "وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ..." (**مشورت با دیگران**)- آیه ۱۵۹ سوره آل عمران.

فته گر: از آیه "وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ" - آیه ۲۱۷ سوره بقره.

منافقی و مشرک: از آیه "وَيَعْدِبُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ..." - آیه ۶ سوره فتح.

کافر: از آیه "قَتَلَ الْإِنْسَانَ مَا أَكْفَرَهُ" - آیه ۱۷ سوره عبس.

قاتل آدم معمولی: از آیه "وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ" - آیه ۱۷۹ سوره بقره.

قاتل آدم مومن: از آیه "وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ.." - آیه ۹۳ سوره نسا.

آدم پر حرف و بی توجه به حرف خدا (شامل اکثر مسلمانان با سواد و بی سواد می شود. درمان درد مسلمانی ما در این آیه است): از آیه "وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ" - و هنگامی که قرآن خوانده می شود، به آن گوش فرا دهید و سکوت کنید تا شاید مورد رحمت قرار گیرید. آیه ۲۰۴ سوره اعراف.

آدم عیبجو و دهنده القاب زشت بر مردم: از آیه "وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِاللُّغَابِ..." - آیه ۱۱ سوره حجرات.

آدم مظنون، جاسوس و اهل غیبت: از آیه "اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَئِذَا يَبْئُتُ...". آیه ۱۲ سوره حجرات.

آدم بی نماز: از آیه "مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ. قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ" - آیات ۴۳-۴۲ سوره مدثر.

آدم روزه نگیر: از آیه "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ..." - آیه ۱۸۳ سوره بقره

آدم دگرآزار: از آیه "لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِّن نُّجْوَاهُمْ..." - آیه ۱۱۴ سوره نسا.

آدم خسیس: از آیه "وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ.." - آیه ۱۹ سوره ذاریات.

تو سر مال مردم زن: از آیه "وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ... رعایت حقوق مردم بکنید و آن کم شمارید.." - آیه ۷ سوره اعراف.

فرزندان ناهل: از آیه "وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا..." - آیه ۸ سوره عنكبوت.

زنان قائل به حق مساوی: از آیه "وَأَسْتَشْهِدُوا شَهِيدِينَ مِّن رِّجَالِكُمْ.." - (شهادت یک مرد در برابر دو زن) آیه ۲۸۲ سوره بقره.

زنان قائل به حقوق مساوی: از آیه "يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ لَلْأُنثِي..." (سهم پسر برابر سهم دو دختر است) - آیه ۱۱ سوره نسا و آیات مربوط به سن تکلیف زودرس برای خانم ها و خواندن و گرفتن نماز و روزه بیشتر و... برای دیگر زنان قائل به حقوق برابر با مردان در همه زمینه ها.

زنان بی حجاب: از آیه "یا ایها النبی قل لزوجک و بناتک و نساء المؤمنین یدنین علیهن من جلابیبهن...." - آیه ۵۹ سوره احزاب.

زنان مخالف چند همسری و مردان طالب چند همسری: از آیه "فانکحوا ما طاب لکم من النساء مثنی وثلاث ورباع فان خفتن ألا تعدلوا فواحدة...." - (هر دو با این آیه گیرند!! آیه تمام کننده است. بی تبصره است) آیه ۵۳ سوره نسا.

عیبجوی هرزه زبان: از آیه "ویل لکل همزة لمره" - آیه ۱ سوره همزه.

آدم کم فروش: از آیه "و لا تحسروا المیزان" - آیه ۹ سوره رحمن.

مال یتیم خور: از آیه "ان الذین یأکلون اموال الیتامی ظلماً انما یأکلون فی بطونهم ناراً.." - آیه ۱۰ سوره نسا.

روحانی بی تقوا: از آیه "مثل الذین حملوا التوراة ثم لم یحملوها کمثل الحمار یحمل اسفراً (حمال کتاب).."- آیه ۵ سوره جمعه.

خر حیوان زبان بسته: از آیه "ان انکر الأصوات لصوت الحمیر" - آیه ۱۹ سوره لقمان. داخل پراتنز مبدا صدای اعتراض ما به خدا در این حد باشد!!

منافقین و مرفهین منزجر از جنگ: از آیه "وجاهدوا باموالهم وانفسهم واولئک لهم الخیرات واولئک هم المفلحون"- آیه سوره توبه.

منکرین معاد: از آیه "زعم الذین کفروا ان لن یبعثوا قل بل یبعثون ثم لتنبون بما عملتم وذلک علی الله یسیر" - کسانیکه کافر شدند، پنداشتند که هرگز برانگیخته نمی شوند. بگو به پروردگام قسم که چنین است، البته و البته به پروردگام قسم که شما مبعوث خواهید شد. آیه ۷ سوره تغابن.

دروغگو: از آیه "ویل لکل افاک اثیم" - **وای بر هر بسیار دروغگوی گناهکار.** آیه ۷ سوره هجاثیه.

آدم رانت خوار و رشوه دهنده: از آیه "ولا تأکلوا اموالکم بینکم بالباطل و تدلوا بها الی الحکام لتأکلوا فریقاً من اموال الناس بالائیم و انتم تعلمون" - **و اموالتان را میان خودتان به ناروا مخورید و [به عنوان رشوه قسمتی از آن را به قضات دهید تا بعمد بخشی از اموال مردم را به گناه بخورید.**

آدم منکر وحی: از ده ها آیه مربوط به وحی و حیانی از جمله آیات ۱ تا ۱۰ سوره نجم "و ما ینطق عن الهوی / ان هو الا وحی یوحی / علمه شدید القوی..."- **تفسیر آیات مربوط به وحی از زبان مرحوم علامه طباطبائی:** آن جناب در آنچه که شما مشرکین را به سوی آن می خواند، و آنچه که از قرآن برایتان تلاوت می کند، سخنانش ناشی از هوای نفس نیست، و به رأی خود چیزی نمی گوید، بلکه هر چه در این باب می گوید وحیی است که خدای تعالی به او می کند... شایان ذکر است وحی در

اصل به معنای اشاره سریع است و طبق پایگاه سفیران نور، ماده وحی و مشتقات آن ۷۸ بار در قرآن کریم تکرار شده است که معمولاً در معانی مختلفی ای بکار برده شده است.

اهل بهشت: از آیه "وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَى رَبِّكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا" و هیچیک از شما نیست که وارد جهنم نشود، و این حکمی حتمی از جانب پروردگار تو است. آیه ۷۱ سوره مریم.

چقدر خدا باید صبور باشد، مخلوق خود را به راه راست هدایت کند و او از این کار خدا راضی نباشد! مدام بدخلقی کند! و از اعمال محدودیت ها بنالد؟ **قدر زر زرگری شناسد قدر گوهر گوهری.**

متأسفانه یک حکومت اسلامی در یکصد مترمربع از خاک عالم اسلام بدرستی پیاده نشد که مردم متوجه زیبایی ها و بزرگی های این دین بشوند. یا خودی کوبید یا بیخودی! وگرنه مردم می دیدند آزادی بیان قرآن ۲۰ است، حقوق زن و مرد آن ۲۰ است. مجازاتهای آن با رعایت تمام آیات قرآنی ۲۰ است.

اما چه کنیم که دنیا زدگی، غرب زدگی، شرق زدگی، مرد زدگی، سنت زدگی، دین زدگی ... موجب شده است ۸ میلیارد انسان روی زمین صبح که از خواب بر می خیزند و اخبار روز را می شنوند از انسان بودن خود شرم بکنند! از حقوق بشر مدافع ظالم و بعضاً مظلوم رنج ببرند. دین اسلام اگر ناراستی داشت توسط جمع کثیری از مسلمانان نیم بند پذیرفته نمی شد. رسالت این دین ساختن فرد و جامعه است. این امانت را کوه ها بر نتافتند اما انسان پذیرفت. باید هم انسان امروزی از نسل آدم می پذیرفت زیر جز این بود کسر شان انسان بود. انسان قابل ترین و برجسته ترین موجود عالم خلقت است. مشکل اینجاست که دین اسلام دین جهانی است و مجریان آن غیر جهانی. نواندیشان دینی که این تضاد و رویارویی را می بینند سعی می کنند درحد وسع خود در این موضوع ورود پیدا بکنند و راه حل بینایی ارائه بدهد. ایشان در این کار بعضاً موفق و بعضاً ناموفق بودند. وقتی ناموفق بودند که محکومات دین فاصله گرفتند. فاصله ها مهم هستند. **فاصله تقرب رسول (ص) با خدا در هنگام معراج دو و نیم کمان بود. شما می خواهید بی محابا وارد هسته سخت دین بشوید، بشوید تصمیم با خود شماست! بدانید تدبیر خدا بر آن نیست.**

از همه سو رفته ام	نهضت من کم نبود
سوی دگر رفته ام	نهضت دین کرده ام
دامن من تر نبود	غربت از این بیشتر
دامن تر رفته ام	غیبت دین کرده ام
اندکی فکرم نبود	با دو سوار بوف کور
کلی فکور کرده ام	حذف خدا کرده ام

چای نواندیش من	فاصله دین تو
قوت قلب کرده ام	مکہ تشریف بکن
دلچ کجا برده ام	خانہ زیارت بکن
وصلہ خود کردہ ام	خانہ شیطان برو
حرف ندارد خدا	توبہ شیطان بکن
فصل ندارد خدا	کل کواکب ببین
باز شناسند بہ دین	سجدہ دیگر بکن
باز نساژند بہ دین	کوہ حرا را ببین
آیہ ائی از من نبود	وحی خدا را ببین
آیہ دیگر نبود	روح خدا را ببین
آیت من بیشمار	عیسی مریم ببین
آیت تو کم شمار	آدم مومن ببین
نسبت من دین من	نوح نبی را ببین
حکمت من دین من	ناجی عالم ببین
روز ازل تا ابد	رنج کشیدند زیاد
دین من است دین من	دین نشانند زیاد
باز نساژی بہ دین	تا کہ دمی سر زند
بہ نساژی بہ دین	تا کہ سریسر زند
واژہ دلبند تو	دین خدا را شناس
مایہ خسران دین	دین محمد شناس
بارقہ دین تو	نام محمد شناس

صلی علی را شناس

فرقه مفلوک تو

سوره توحید بخوان

مژده مصلوب تو

سوره مردم شناس

خلاصه قسمت دوم برنامه پرگار:

نواندیشی دینی که آقایان (اغلب غرب نشین) برای امروز ایران دیکته می کنند ممکنست سر از پرتگاه درآورد! این چه کاری است؟ بیکاری است! استشهاد نیست! استحمام است، از چاله در آمدن به چاه افتادن است. بازپروری دینی است یا معتادی؟ یک نواندیش دینی باید نیک اندیش هم باشد، محرم راز هم باشد، جسارت را با بی پروائی و با محابائی یکسان نگیرد.

این آقایان بازساز و بهساز در کدام آیات قرآن می خواهند دست ببرند تا مطلوب نظر معاندین، مفسدین، مغرضین و منکرین خدا باشد؟ یا با حذف کدامیک از آیات قرآن می خواهند به معنویت دینی برسند؟ جشن "عبور از دین" چگونه جشنی است؟ مگر کسی در این دنیا هست که از تکلیف خوشش بیاید؟ و ما بخواهیم برای جلب رضایت ایشان در آیات خدا تعدیل، حذف، ذبح، محو، تعطیل و تفسیر و.. مسخ ایجاد کنیم؟ مگر می خواهیم دین را کادو پیچ کنیم و به در خانه بت پرستان و باده پرستان دنیا ببریم. مگر اکراهی در انتخاب دین است که ما را بفکر جذب حداکثری انداخته است؟

مقالات مربوط به بیوفیلم نشان می دهد فقط دنیاست که محل جذب حداکثری است (مراجعه شود به مقالات ساعت قیامت - ساحت قیامت: جهنم یا بهشت؟ ۱۳۹۵ و محیط کشت مناسب باکتری ها- محیط کشت مناسب آدم ها، ۱۳۹۶). زیرا آرای همه برای یک هدف مهم و نه نامهم محترم است. در آن صورت یک رای هم برای خودش یک رای است. اما خدا که به رای انسان نیاز ندارد.

حساب "انسان اکثر" هم در قرآن مشخص است. قرآن مملو از تقبیح اکثرهم است. اکثریت، نسخه بی بدیل دنیاست نه آخرت. دنیا به معنای دنی یعنی پستی است! کف دنیا پوشیده شده است از موزائیک های خوش رنگ و بدرنگ. چیدمان دنیا موزائیکی است. به کسی وفا نکند اگر همه کس یار تو باشند/ همه جایاد تو باشند. در عین حال همه ما مخلوقات خدا هستیم. همه و بیش از همه خدا مسئول حال، جان و مال مردم است. تعرض به این حقوق را خدا بر نمی تابد حتی اگر مظلوم به آن رضایت بدهد.

حق الناس بالاتر از حق الله است. توپ همیشه در زمین انسان است.

این انسان ها هستند که باید انسانیت خود را به رخ فرشتگان بکشانند تا خدای قادر بابت آن به خود ببالد و به خود بابت این خلق عظیم تبارک الله الحسن الخالقین بگوید. رابطه خالق-مخلوق این است و جز این نیست. اختیارات و اطلاعات ما محدود و اسرار الهی نامحدود است. بهتر است حد و حدود خود را بشناسیم و به خط قرمزهای خدا نزدیک نشویم.

مناسبات انسان و خدا در بهترین حالات فحوای کلام اولیای دین در دعای کمیل / دعاهاى صحیفه سجادیه/دعای عرفه و..است:

مَوْلَايَا يَا مَوْلَايَا أَنْتَ الْمَالِكُ وَأَنَا الْمَمْلُوكُ وَهَلْ يَرْحَمُ الْمَمْلُوكَ - تویی سرور و منم بنده و آیا رحم کند بر بنده جز سرور او؟
مَوْلَايَا يَا مَوْلَايَا أَنْتَ الْقَوِيُّ وَأَنَا الضَّعِيفُ وَ هَلْ يَرْحَمُ الضَّعِيفَ إِلَّا الْقَوِيُّ - مولای من ای مولای من تویی نیرومند و منم ناتوان و آیا رحمکند بر ناتوان جز نیرومند؟

اللَّهُمَّ إِنْ يَكُنِ النَّدَمُ تَوْبَةً إِلَيْكَ فَأَنَا أَنْدَمُ النَّادِمِينَ، وَإِنْ يَكُنِ التَّرْكُ لِمَعْصِيَتِكَ إِنْابَةً فَأَنَا أَوْلُ الْمُئِنِّينَ، وَإِنْ يَكُنِ الْاسْتِغْفَارُ حِطَّةً لِلذُّنُوبِ فَإِنِّي لَكَ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ - الهی اگر پشیمانی در پیشگاه حضرتت توبه است، پس من از همه پشیمان‌ترم، و اگر ترک گناه بازگشت محسوب می‌شود پساولین بازگشت کننده منم، و اگر استغفار سبب ریختن گناهان است پس من در برابرت از استغفار کنندگانم.

من شخصا طی این دو برنامه برگزار متوجه شدم پروژه هائی در دست اجرای آقایان از روی استیصال است و کارزار اصلی این مباحث در محدوده جغرافیای ایران و نظام جمهوری اسلامی ایران است. تصور بر این است که با حذف، تعدیل و تعطیل بعضی آیات بویژه آیات مربوط به قصاص، حجاب، حقوق مساوی مرد و زن و این قبیل مسائل مشکل ایران مرتفع و عالم اسلام متمدن می‌شود!

اما این نهایت خوش باوری است. نشناختن سنت الله است. سنت خدا غیر قابل تبدیل و تغییر نیست (فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا. آیه ۴۳ سوره فاطر). داستان خضر و موسی در سوره کهف یک سلسله حکایات ساده نیست. پشت پرده سیاست کلان دنیا به تدبیر خداست. دیوار خانه دو کودک یتیم باید آن روز بدست خضر تخریب می‌شد تا گنج پدر تا بزرگ شدن فرزندان محفوظ می‌ماند. هکذا فلسفه سوراخ کردن کشتی و کشتن کودک. کار خضر نه انذار که آینده نگری بود. اگر در خود این علم را می بینید بسم الله.

و گرنه کار روشنفکر دینی در حال حاضر و در همه حال، نواندیشی در مفاهیم دینی، اصلاح امور، تفسیر عینی آیات، خرافه زدائی، ایثار، در نرفتن، آگاهی بخشیدن به توده های مردمی و انذار و هشدار به مقامات برای عدم اجرای یا اجرای گزینشی دستورات مسلم دینی است.

می دانم کار سختی است! عواقب دارد! محرومیت دارد! تاسف دارد! پیاده روی دارد! کنج خانه نشستن دارد! نواندیشی دینی کجا و اینهمه خطرات دنیوی به جان خریدن کجا؟ اما چه کنم که خدا کار سترگ آنها را بسیار ستوده است. چکیده مطلب فوق به صورت درج نظر به شرح زیر در سایت [بینانیوز](#) ذیل [خبر دین‌گریز کردن مردم بزرگترین خیانت است](#) به تاریخ ۱۳۹۳/۴/۲۹ چنین منعکس شده است:

"در قصص قرآن غالباً و نه همیشه (سوره هود ۱۱۶) ردپای یک یا چند آدم صالح (مومن) است که تلاش می کنند قومی را از عواقب یک تصمیم/عمل/اقدام بد انذار داده و پند بدهند! (إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ - ما تو را به حق برای بشارت و انذار فرستادیم، و هر امتی در گذشته انذار کننده‌ای داشته است. آیه ۲۴ سوره فاطر). هر کدام پند را شنیدند و عمل کردند دنیا و آخرت را با هم بردند. هر کدام منذر را کشتند و زندان و سرکوب کردند گرفتار بلاهای دنیوی و اخروی شدند.

اینک چند مثال از قرآن:

۱. داستان آن ۵ برادری که به وصیت پدر و حرف برادر کوچک خود عمل نکردند و تصمیم گرفتند قبل از طلوع آفتاب به باغ رفته، بزعم خود میوه ها (انگور و...) را بچینند تا چیزی نصیب فقراء نشود! شب با این فکر خوابیدند. اول صبح که آهسته به باغ وارد شدند باغ پدر، سوخته دیدند! برادر کوچکتر ناصح دیگر برادران جلو آمد و گفت: «أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ لَوْ لَا تُسَبِّحُونَ» (قلم ۲۸)! ..نگفتم؟! (درست عمل می کردیم سال آوری باغ هر سال زیادتیر می شد)،
۲. در سوره قصص آیه ۲۰ مردی (مومن) موسی را تشویق به ترک شهر کرد چون شنیده بود دربار فرعون قصد دارد موسی را به قتل برساند! (اینجا موسی درست عمل کرد و نجات یافت)،
۳. در سوره اعراف آیات ۱۶۳ باز از قوم بنی اسرائیل می گوید که شنبه ها (روز تعطیلی و روز عبادت) برغم حرام بودن صید از دستور خدا سرپیچی کرده و صید ماهی می کردند! دلیلش هم این بود که ماهی ها بیشتر روزهای هفته زیر آب پنهان بودند و فقط روزهای شنبه ها به روی آب می آمدند! امتحان بزرگ خدا که اکثر مردم به آن به خاطر منافع مادی و بقول خدا "متاع این دنیای پست را گرفتند - يَأْخُذُونَ عَرَضَ هَذَا الْأَدْنَى" بی اعتنا بودند. اینجا اقلیت کوچکی از مردم بودند که مردم را از این عمل گناه انذار می دادند اما چون گوش شنوائی نبود خدا اندر زدهندگان را نجات و متخلفین را به شکل بوزینه درآورد (مصلحین چون درست عمل کردند هم آدم و هم زنده ماندند)،
۴. توصیه خواهر موسی به آوردن مادر موسی به دربار فرعون برای شیر دادن موسی (قصص ۱۱) و پذیرفتن فرعون!! همین گردنکش معروف نشان می دهد حرف حساب هم حالیش می شد! (فرعون به درخواست زنش آسیه درست عمل کرد و مدتی در خانه اش نور فرزند نوزاد بود اما چون کور قدرت بود، نور نبوت او را وقتی بزرگ شد ندید و به حرف ساحران که تسلیم موسی شدند گوش نداد و طبق انتظار غرق دریا شد)،
۵. انکار سه رسول خدا توسط اصحاب قریه و انذار دادن یک مومن بر راستگویی آن رسولان. اسم آن فرد حبیب نجار بوده که از دورترین نقطه شهر به آنجا آمده بود (آیات ۱۳ به بعد سوره یس). پاداش مرد منذر بهشت و مجازات اصحاب قریه یک صیحه عذاب الهی بود.
۶. کسی از قوم فرعون که در دستگاه فرعون بود و به موسی (ع) ایمان داشت اما آن زمان کتمان کرده بود تا بتواند به موسی کمک کند گفت: «ای قوم من! از من پیروی کنید تا شما را به راه راست هدایت کنم. خداوند او را از نقشه‌های سوء آنها ننگه داشت و عذاب شدید بر آل فرعون وارد شد (سوره مومن، آیات ۲۸ به بعد. نوشته اند اسم دیگر سوره مومن، غافر است و وجه تسمیه آن این مومن آل فرعون رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ بود). حتی در

این خصوص می توان با افتخار به **ساحرین بی مدعی** در پی کسب یک لقمه نان حلال اشاره کرد که به ندای موسی (ع) و عواقب دروغ گفتن گوش جان سپردند و با مشاهده معجزات آن حضرت به سجده درافتادند و گفتند به پروردگار موسی و هارون ایمان آوردیم. فرعون از این اقدام عجولانه ساحران ناراحت شد و معترض شد که چرا بدون اجازه من اعتراف به حقانیت موسی کردید؟ بعد هم تهدید به بریدن دستها و پاهای آنها یکی از راست و دیگری از چپ کرد. اما چون حقیقت را با جان و دل دریافته بودند یکصدا گفتند ما هرگز تو را بر معجزاتی که به سوی ما آمده و بر آن کس که ما را پدید آورده است ترجیح نخواهیم داد. به این مقدار هم رضایت ندادند و گفتند **أَنَا أَمْنَا بِرَبِّنَا لِيُغْفِرَ لَنَا خَطَايَانَا وَمَا أَكْرَهْتَنَا عَلَيْهِ مِنَ السِّحْرِ وَاللَّهُ خَيْرٌ وَأَبْقَى - ما به پروردگاران ایمان آوردیم تا گناهان ما و آن سحری که ما را بدان واداشتی بر ما ببخشاید و خدا بهتر و پایدارتر است** (آیات ۶۱ ببعده سوره طه)،

۷. از دیگر بندگان صالح خدا می شود از حضرت خضر و از ذوالقرنین نام برد که کار ایشان متفاوت از بندگان فوق بود. به این معنا که انذار نمی دادند بلکه اقدام می کردند. در مورد حضرت خضر آمده است موسی و شاگردش برای یافتن حضرت خضر راهی مجمع البحرین یا محل تلاقی دو دریا شدند. خضر آن بنده خاص خدا (فَوَجَدَا عَبْدًا مِّنْ عِبَادِنَا) را یافتند. او دارای علم لدنی و آشنا به اسرار غیب الهی بود (سوره کهف آیه ۶۵) کار او نه انذار که آینده نگری بود. اما مگر موسی تحمل دیدن کارهای بظاهر بی حکمت او را داشت؟ سوراخ کردن کشتی، کشتن کودک و خراب کردن دیوار در دیدگاه او یک خطا بود. خضر تا دید موسی در برابر اقدامات سنجیده او بی تابی می کند. او را در جریان ریز مسائل پشت پرده غیب قرار داد و سپس راهش از او جدا کرد. پس خوشا به حال آن فرد/قوم/نظام که نصائح، انتقادات و توصیه های خداخواهانه فرد یا افراد صالح را می شنوند و به آن عمل می کنند و به منتقدین جایزه بزرگ تعیین می کنند و ایشان را مفاخر ملی معرفی می کنند. خوشبخت تر از ایشان، کسانی که خود از صالحین و مصلحین روزگاران خود هستند، مصلحین تمام قرنها را دوست دارند و مصلح موعود را هم انتظار می کشند و با قدم و قلم خویش ظهور را برای رویت چشمان خود فراهم می کنند. اگر ایشان نبودند حیات مفسدین یک روزه از روی زمین بر چیده می شد. برای منکرین امام زمان هم باید گفت **یک دین کامل حتما یک کتاب کامل و یک ناظر کامل (امام زمان) دارد!**

غیر از این اقدام شود تصدیق این گفته حافظ است **"چون ندیدند حقیقت ره افسانه زدند"**.

بپذیریم راه بهشت از جهنم می گذرد. اعتراف بکنیم قیود دینی برای بیشتر مردم سخت تر از قیود اجتماعی است. برای یک انسان رفاهمند همان اندازه هضم قیود اجتماعی سخت است که قیود دینی برای یک انسان بی اعتقاد به خدا! باز در مسائل مربوط به قیود اجتماعی قبض جرمه ائی صادر می شود و خطاکار مبلغ جرم خود را رویت می کند اما در قیود دینی مکافات عمل بسیار بطئی و تابع قانون حدنصاب (quorum sensing) است (به دیگر مقالات/اشعار من در این خصوص در سایت فعلی مراجعه شود).

اما قیود دینی چیزی نیستند الا یک سری سئوالات کتبی و شفاهی و آتی خدا! مردودی آن غالباً زیاد، قبول شدگان آن با نمره بالا اندک و کسب کنندگان با درجه عالی آن انگشت شمار هستند. با علم به موارد فوق، حذف کدامیک از آیات، نجات بخش و موجب رضایتمندی یک مسلمان کم اعتقاد است؟ با این کار، دل کدام بندگان خشنود و دل خدا ناخشنود می شود؟

چند صفحه از کتاب قرآن حذف بشود رضایت کثیر مردم گریزان از دین جلب می شود؟ آیا فکر نمی کنید ما با این ادای روشنفکری برای خدا کسب تکلیف می کنیم؟ اشتباه آیات خدا را به او گوشزد می کنیم؟ به او صریحاً اعلام می کنیم آیات فلان فلان به درد امروز جامعه نمی خورد؟ به روز نیستند؟ وضع و وزنه حلال ها و حرام ها دیگر مثل سابق نیستند. همه چیز عوض شده است! عقب بمانیم از کاروان رشد باز مانده ایم! دیگر عمل زنا حرام نیست! ملاک رضایت طرفین است! تن هم تن طرفین است! دیگر لواط مذموم نیست! این قوم برای خود حزب دارد! ترویج درخور و مقبول دارد! قدرت سیاسی دارد! حرف اول را می زند! موافق نباشی موافق ات می کنند! بار خدایا این حرف ها دیگر قدیمی شده است، دین فتاوی جدید می خواهد!

صاعقه ها

(قانونی شدن ازدواج در بین همجنس بازان. ۱۳۹۴/۴/۵. بقول سیاوش کسزائی: کجا می برندت کجا می روی نگر تا مبادا خطا می روی. انسان برای ورود و خروجش آزاد است. انسان مسلمان اما چنین نیست. آزادی او هم چراغ قرمز دارد. چند دهه پیش این افراد اعدام می شدند. اما الان تقدیر می شوند! بیچاره آنهائیکه در دوره خود مظلوم واقع شدند و این دوره طلائی رابه چشم ندیدند! اما هر دو در برابر خدا مسئول اند. سرنوشت ایشان در قرآن محتوم است:

وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنْذَرِينَ - آنها را با بارانی از سنگ ناپود کردیم (نمل / ۵۸).

فَأَنْجَبْنَاهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ قَدَرْنَا مِنَ الْغَابِرِينَ - آنگاه او و خانواده اش را نجات دادیم، مگر زنش را که جزو واپس ماندگان قرار دادیم (نمل / ۵۷)."

در تفسیر المیزان به خوبی مشخص شده است که چرا زن لوط هم جزو نجات نیافتگان بوده است: "پس او و خانواده او را نجات دادیم، جز همسرش که او را در ردیف باقی ماندگان رقم زده بودیم. همسر لوط به جهت رضایت به عمل پلید قوم، همراه آنها در عذاب باقی ماند".

این تفسیر از بقیه تفاسیر روشن تر بود و مشخص می کند زن لوط به این عمل شنیع (لواط مرد با مرد) رضایت داشته است. ولی قرآن درباره قوم لوط راجع به هم جنس گرایی زن با زن اشاره نمی کند و گرنه این شامل حال زن لوط هم می شد و چنین زنی مسلماً در شان پیامبر نبود که هم مشرک باشد و هم همجنس باز! اطلاعات بیشتر در مقاله مستقل پدیده همجنسگرایی یا دگرباشی در انسان در همین سایت

صاعقه ها بارقه ها می زند

مرده از این دست کجا می زند

حدنصاب عملت تا کجاست

غوره مویز شد خدا می زند

فاصله ها بارقه ها می زند

هرچه شنیع است خدا می زند

آدم عاقل به خط می رود

فاعل مفعول خدا می زند

فاعله ها بارقه ها می زند

فعل تو منفور خدا می زند

نام لواط را تو نمود می کنی

هرچه نمود بود خدا می زند

صحیح نیست. ضد قوانین مترقی حقوق بشری است که اندامهای یک فرد سالم جلوی دیدگان همه و یا حتی در خفا بریده شود. مصالح ایجاب می کند حذف و اضافاتی در آیات/تفسیر آیات بعمل بیاید! تعطیلی آیات و یا تقبیح آنها الزامی است! شاید تعدادی دلشان بخواهد برای تشکیل یک جامعه متمایز و پاک دست و پاکی سرشت به قوانین شریعت اسلامی مستمسک بجویند، تا ایشان را به اسلام و نه مسلمانی بشناسند. اما اغلب جوانان و اقوام مدعیان از آن استقبال نمی کنند. استدلالشان هم اینست زندگی در غرب ملزوماتی دارد، حقوق غرب معذوراتی دارد، حرف بزنی خوردند! زیادی حرف بزنی بردند!

پس ما بین خواندن و بالش کردن، بالش کردن قرآن را به مصلحت می دانیم (گرچه مقصود از کتاب آن فن بود/گر توش بالش کنی هم می شود). بعد از ما خواستی متفکرانی را بفرست که از ما با معرفت تر باشند. سفارش تو و رسول تو را با صدای بلند اعلام بکنند تا شاید هم مسلمانان و هم غیر مسلمانان متوجه آن بشوند.

طبق قرار بر ما نواندیشان دینی فرض بود ناظر بلند شدن ناخن و مو و ریش و سبیل دین باشیم (خرافات دین) تا بیش از حد بلند نشوند، ریش به مشت بیاید و سبیل داخل دهان نشود. بلندی گیسوی زن و مرد مشخص باشد، حریم زن و مرد و خانواده معین بشود، ناخن افراد روی زمین کشیده نشود. اما کار از کار گذشته واجبات و محکومات زیر سؤال رفته است! یکبار هم شده تو به حرف ما گوش بده و مرتب از ما نخواره در دعاهای خود تو را غنی و خود را فقیر بخوانیم. ناسلامتی ما هم برای خودمان کسی هستیم! خلیفه الله هستیم! بدون قرآن و کتب دینی هم می توانیم به امورات و قصورات دنیوی و معنوی خود برسیم.

اجازه بده برای تعدادی از آیات محکومات قرار زندان و حبس دائم صادر کنیم و برای تعدادی دیگر غسل تعمید اجرا بکنیم! اجر هم نخواستیم التفات تو بر ما کافیست!

سعی می کنیم مثل مغول عمل نکنیم و قلع و قمع را پیشه اصلی خود نکنیم. چه بکنیم که پیش شرط توسعه کشور بازنگری اساسی در دین است؟ این دین منشور جدید می خواهد، جلد کادو شده می خواهد، قاب بگیرند بهتر است نگرفتند هم اشکالی ندارد. فقط موج ایجاد نکند، احقاق حق نکند، حق مظلوم نستاند، با مفاسد موجه امروز مدارا بکند، تکالیف فردی را توصیه بکند، دکان ثواب باشد برای ما کفایت می کند. کار ما را هم سبک می کند. به احتمال قوی بتوان با این تدابیر جدید برای این کتاب تحریف شده خوشایند همه جایزه ادبی نوبل را هم گرفت! از سوزندان آن توسط کشیش تری جونز (Terry Jones) آمریکائی جلوگیری کرد! در خانه کتاب ادیان، مکاتب، آئین های جدید و قدیم جای ویژه ائی برای آن اختصاص داد!

خدایا بر ما خرده نگیر که چرا کار دیگر نمی کنیم؟ مثلاً به کره مریخ نمی رویم؟ به داخل سلول نمی رویم؟ آخر خدا کار با میکروسکوپ و میکروسکوپ الکترونی و تلسکوپ بر ما دشوار است. درحالیکه برای این مأموریتی برای دینم فقط به یک خلوت جزئی نیاز داریم، به خواب برویم، رویای صادقانه ببینیم! از خواب که بیدار شدیم مبلغ دین جدید باشیم.

برای رساندن پیام خود به گوش ایران/تهران نیازی به جبرئیل امین نیست. یک ساعت مصاحبه و سفسطه در یکی از شبکه های فارسی زبان کفایت می کند.

توضیح واضح است اما دوره، دوره انسان سالاری است! حقوق بشر سالاری است! غرب نازک نارنجی شده است! برای تجاوز به عنف دیگر حکم مرگ صادر نمی کند، برای تجاوز دسته جمعی به یک کودک یا یک دختر خردسال حبس ابد صادر نمی کند. متقاعد شده است برای قاتل ۶۹ نوجوان نروژی (Anders Behring Breivik) که تحمل چهار سال زندان را نداشته است (از سال ۲۰۱۱) دادگاه تجدید نظر برای "نقض حقوق بشر و اعمال رفتار غیرانسانی" تشکیل بدهد (۱۳۹۵/۱۰/۱۹). غیر از این ها، اسامی بسیاری از اعمال قبیح و اقشار ضعیف بمانند اسامی خیابانها تغییر یافته و به روز شده است.

دیگر زناکار بنام کارگر جنسی و مستضعف بنام قشر آسیب پذیر شناخته می شود. کارگران جنسی برای خودشان اتحادیه دارند، بیمه عمر دارند. مهم نیست چرا دختر مردم این کاره شده است؟ کسی که قرار بود مادر بشود زن بدکاره شده است؟ مهم نیست او مریض است یا طعمه هوس بازان است. یا حق مسلم او را دیگران خورده اند! و او باید دوبار مورد تجاوز قرار بگیرد یکبار توسط حرام خورها و بار دیگر توسط ناموس خورها! تاوان مظلومیت همین است! محل کار فرق نمی کند کف خیابانهای بیرمگام باشد یا سطح خیابانهای اعیان نشین تهران! این مسائل جزو مسئولیت روشنفکری محسوب نمی شود. اتفاقاً تا دین اصلاح نشود وقوع این حوادث و حوادث بزرگتر و فجیع تر غیرقابل اجتناب است. ما باید غرب را به شرق نزدیک کنیم! با این کار دین به دنیا نزدیک تر می شود. لازمه این کار انجام یک عمل جراحی دشوار و چند باره روی بیمار

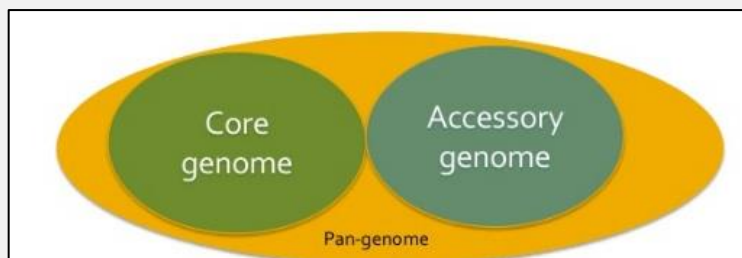
(دین) است. کمی خونریزی حین عمل یا بعد از عمل امری غیرقابل اجتناب است همچنانکه در برنامه هدفمندی یارانه ها یک مقدار خونریزی را شاهد بودیم. البته برنامه هدفمندی یارانه ها ناپخته و غیرکارشناسانه بود. اولش خوب بود با پول یارانه می شد بز خرید اما بعدها بزمچه هم ندادند.

مسلم است در هدفمندی آیات الهی این اتفاق نمی افتد چون متخصصین امر، نواندیشان بنام دینی هستند، کار آزموده اند، دلسوز دین هستند، وحی را رویا می دانند! و رویا را وحی! کار ایشان افتادن اکثریت به زیرخط فقر نیست! خط فرهنگی که فقر ندارد فهم دارد! طبق اطلاع این متخصصین برای کار خود از لیزر استفاده خواهند کرد (لیزر درمانی). ابتدا قرار است در پوسته (جلد قرآن) نفوذ کنند. بعد وارد هسته نرم (آیات متشابهات) خواهند شد. به کمک ورد جادویی اجی مجی لا ترجی، هسته سخت (آیات محکومات) را از کار انداخته و گرمای هسته (پیام قرآن) را متعادل خواهند کرد.

خوب آقایان متوجه نیستند گرمای محیط اطرف هسته حدودا ۱ درجه گرمتر از سیتوپلاسم و گرمای اطراف اندامک میتوکندری بدلیل تولید و تامین انرژی سلول از همه جای سیتوپلاسم گرم تر است (به سایت تخصصی من www.phytobacteriology.com مقاله سلول شناسی-انسان شناسی و خداشناسی در همین سایت مراجعه شود). عادت دارند اول دندان را بکشند بعد بشمارند! اول وارد هسته می شوند بعد خود و دیگران را در آن می سوزانند.

این رسم همه دین سازان نادان بوده است. چون اغلب مسلمانان در مباحث علوم طبیعی بیسواد و یا مثل من کم سواد هستند. بخاطر بیسوادی و یا کم سوادی از آیات قصاص و حجاب و ارث و.. بیزار هستند! درکی درستی از ساز و کار سلول، انجم و قرآن ندارند. متوجه نیستند یک سلول ابتدائی (باکتریها) در محکومات و ضروریات حیاتی خود همان کاری را می کند که یک سلول کامل (سلول انسان مدرن و کامل ترین سلولها است). همچنانکه آیات قرآنی برای یک جامعه مدرن تا فوق مدرن برنامه دارد.

شکل ۱، سلول یک باکتری چند میکرونی ساده را نشان می دهد که پان ژنوم (کل ژنها/ساختار ژنومیک) آن به تناسب درجه محافظت شدگی ژنها به سه بخش پوسته (shell)، هسته نرم (soft core) و مغز و یا هسته سخت (hard core) تقسیم شده است. شبیه این تقسیم بندی را روشنفکران و نواندیشان دینی کرده اند (پوسته، هسته یا قسمت نرم، هسته یا قسمت سخت). معدودی از این ژنها جایگاه ثابت و تثبیت شده ائی دارند و تحت هیچ شرایطی دچار تغییرات آئی و هر از گاهی نمی شوند. به اینها ژنهای محافظت شده (genes conserved) می گویند. ژنهای قسم دوم از نوع منعطف، کمکی، کم ضرور، فرعی و جانبی هستند (flexible, dispensable or accessory genes). این ژنها به راحتی بین سلولها جابجا می شوند. حذف و اضافه شدن این ژنها (بده بستان های ژنی بین سلولها) سبب می شود صفات بیرونی و درونی یک سلول به مرور زمان دچار تنوع و تغییرات شگرف بشود (شکل ۲).



شکل ۲. پان ژنوم یا سری کامل ژن (pangenome) استرین های یک گونه باکتری که شامل ۱) ژنهای اصلی که کاملاً محافظت شده هستند (core genome) و ۲) ژنهای فرعی، غیرضروری و کمتر محافظت شده (accessory genome) هستند و مرتب حذف و شده و سلول را مستعد دگرگونی های ظاهری و باطنی زیادی می کنند.

بر اساس این تعریف، ژنهای کاملاً محافظت شده در باکتریها ماهیت یک گونه را تعیین می کنند (گونه: پایه، اساس و واحد طبقه بندی است). برعکس، ژنهای منعطف و غیر ضروری، ماهیت یک استرین را (یک گونه از مجموع چند استرین مشابه تشکیل می شود) را تعیین می کنند (شکل ۳).

Copyright © The McGraw-Hill Companies, Inc. Permission required for reproduction or display.

Table 10.1 Taxonomic Ranks of the Bacterium *Escherichia coli*

Formal Rank	Example
Domain	<i>Bacteria</i>
Phylum	<i>Proteobacteria</i>
Class	<i>Gamma proteobacteria</i>
Order	<i>Enterobacteriales</i>
Family	<i>Enterobacteriaceae</i>
Genus	<i>Escherichia</i>
Species	<i>coli</i>
Strain	O157:H7

Taxonomic Rank

One difficulty is deciding how different two isolates must be before one describes them as different species rather than as different strains.

شکل ۳. رده بندی باکتری *Escherichia coli* جنس باکتری بنام *Escherichia* و گونه آن *coli* است. یکی از استرین های (strain) آن تحت شماره O157:H7 است. همانگونه که در بالا ذکر شد چند استرین مشابه تشکیل یک گونه (species) می کنند.

مطابق تصویر چپ شکل ۱ میزان تبادل و جابجایی ژنی (ورود و خروج ژنهای یک سلول) در هر سه بخش متفاوت است. در بخش پوسته تغییرات و جابجایی ژن ها بین ۳۰-۳٪، در بخش هسته نرم ۹۰-۶۰٪ و در بخش هسته سخت ۱۰-۰٪ است. پر واضح است هر چقدر به بخش سخت تر سلول که حاوی ژنهای محافظت شده است نزدیک تر بشویم جابجایی ژنی در آنها سخت، نادر و بعضاً ناممکن است. زیرا ساختار مقاوم و غیر قابل نفوذ آنها تضمین کننده بقا و دوام سلول در طول تاریخ حیات سلول است. درست است که ژنهای هر سه بخش مسئولیت های ویژه خود را دارند اما نقش ژنهای هسته سخت سلول

یک نقش خاص و یک مسئولیت ویژه است. تمام سیستم ها و فعالیت های حیاتی یک سلول در این بخش مستقر و فعال هستند.

سه پروسه مهم ساخت و سازهای حیاتی سلول شامل رونویسی (DNA replication)، همانندسازی (DNA transcription) و ترجمه (RNA translation) در این بخش فرماندهی می شود. بنابراین هرگونه دستکاری در ژن های این بخش ها موجب از کار افتادن کل یا بخشی از فعالیت های حیاتی سلول و مرگ آن سلول می شود. شاید یک نکته دیگر مربوط به توزیع و روند جابجائی ژنها در درون سلول برای تقریب اذهان به سمت ساختار آیات در قرآن مجید حائز اهمیت باشد.

مطابق شکل زیر، روند تبادل ژنی و میزان جابجائی ژنهای موجود در بخش پوسته در حد ۳۰-۳٪ بسیار روان و بدون مانع است. زیرا در این بخش فعالیت عناصر متحرک (mobile) مانند پلاسمیدها و فاژها که به جابجا کنندگان طبیعی ژنها معروف هستند چشمگیر است. در هسته نرم سلول (با حاشیه نرم اشتباه گرفته نشود زیرا این بخش جزو هسته اصلی و بخش حیاتی سلول محسوب می شود) جابجائی ژن ها به دشواری اما به مقدار زیاد انجام می گیرد (۹۰-۶۰٪). دلیل آن هم روشن است زیرا بیشتر ژنهای ژنومی در باکتریها در این بخش قرار دارند و چون این ژنها در بیشتر باکتریهای هم جنس و هم گروه مشترک است تبادلی ژنی نه تنها موجب اختلال سلولی نمی شود بلکه موجب پویائی سلولهای مرتبط می شود.

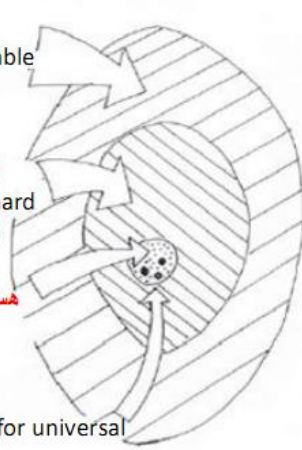
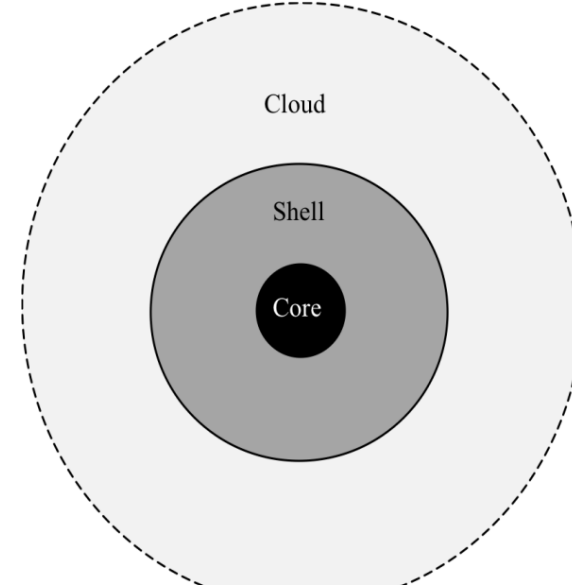
اما بخش هسته سخت سلول، حیاتی ترین بخش سلول است. حاوی ژنهای ریبوزمی 16S rDNA و غیره است. بنابراین انتظار این است بعنوان جعبه سیاه سلول، ستون فقرات سلول، فرمانروای سلول، حافظ سلول، در برابر ناملایمات و اختلالات درونی و بیرونی مقاوم باشد. این بخش مظهر هویت تاریخی و جهانی سلول است، میراث سلول مادر (والد) به سلول دختر (نسل بعد) است. باکتریها به واسطه این ژنها از همدیگر متمایز و طبقه بندی می شوند. لذا تغییرات و تبادلات ژنی در این بخش در حد صفر تا حداکثر ده درصد است. آنهم نه در یک روز و یکسال بلکه در طی میلیونها سال. مباحث مربوط به این بخش از ساختار سلولی به همین جا ختم نمی شود بلکه روز به روز دقیق تر و کشفیات جدید شگفت آورتر می شود (کاری که برعهده مصلحین بنام دین است).

همانگونه که در بالا آمد و در مقالات دیگر در همین سایت تکرار شد (دو مقاله "پیام آسمانی-همخوانی کار سلول با کار انبیا" و "پروتئین سازی الگوئی برای انسان سازی و امت سازی") روخوانی کدهای قرآنی یا کد خوانی آیات الهی نه کار همه کس که مسئولیت تام مصلحین برگزیده است). این شگفتی ها را می شود در اشکال ۴ و ۵ مشاهده کرد (جزئیات بیشتر در سایت تخصصی www.phytobacteriology.com - فایل طبقه بندی باکتریها).

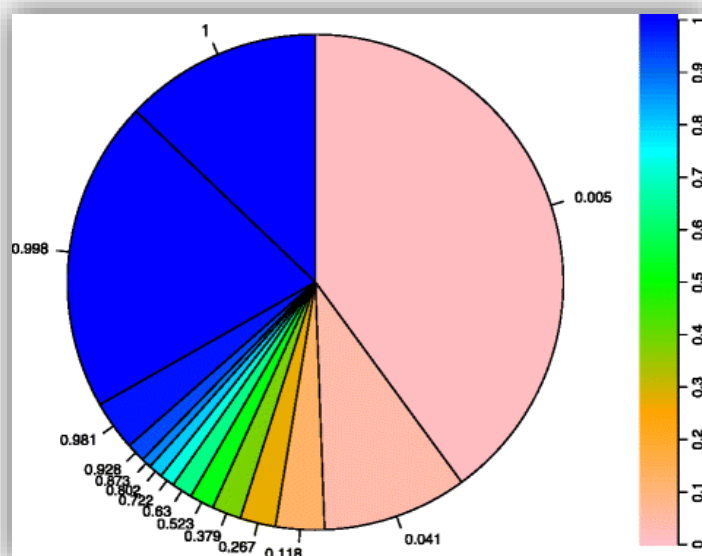
طبق مقالات جدید از جمله (Snipen and Ussery, 2010)، سه بخش جایگاه ژنتیکی یک سلول باکتری همچنان پا برجا و قابل استناد است. اما نام قسمت ها و کارکرد ژنهای مربوط به هر یک از این بخش ها با دقت بیشتری تحقیق، تعریف و تبیین شده است.

۱. ژنهای پوسته که در اغلب سلولها/پان ژنوم ها وجود دارند.
۲. ژنهای هسته مرکزی همواره و در اغلب موارد در همه ژنوم های یک پان ژنوم وجود دارند و بندرت یا در حد ناچیز انتقال جانبی ژن ها در آنها رخ می دهد.
۳. ژنهای مربوط به ناحیه ابر (cloud) که بندرت در همه ژنوم وجود دارند و صرفا در چند ژنوم باکتریایی دیده شده اند.

در این تحقیق به صراحت اعلام شده است که ژنهای هسته سخت قابل انتقال نیستند مگر در یک مدت طولانی: مقدار جابجائی ژن های بخش پوسته ژنوم اعلام نشده است. اما نسبت انتقال و جابجائی آنها نسبت به ژنهای محافظت شده بخش مرکزی بسیار معنی دار است. بطورکلی مقدار قابل توجهی از ژن ها (محافظت نشده) در بین سلولها از طریق انتقال جانبی یا غیر جنسی (horizontal gene transfer) جابجا می شوند و این فقط شامل سلولهای ابتدائی (پروکاریوتها) نمی شود بلکه در سلولهای متکامل و حقیقی (ایوکاریوتها) چون جانوران و حتی انسان هم به صورت محدود دیده شده است.

<p style="text-align: center;">ژنوم باکتریها Prokaryotic Genome</p> <p>Shell پوسته Freely exchangeable 0-30%</p> <p>Soft core هسته نرم Exchangeability hard to assess 60-90%</p> <p>Hard core هسته سخت Seldom or never exchanged 10%</p> <p>A few genes useful for universal phylogeny</p> 	
<p>شکل ۱. تصویر شماتیک یک ژنوم باکتری است که در آن جایگاه ژنهای یک سلول از سه بخش پوسته (shell)، هسته نرم (soft core) و هسته سخت (hard core) تشکیل شده است.</p>	<p>شکل ۴. تصویر جدیدی از ساختار ژنتیکی یک سلول باکتری که در آن مکان استقرار کل ژنها (پان ژنوم) یک سلول را نشان می دهد: پوسته (shell)، هسته مرکزی (core) و ابر (cloud) (Snipen and Ussery, 2010). سهم تغییرات ژنی و جابجائی ژنی در این تحقیق مشخص نشده است. اما فضای اختصاص یافته به ژنهای پوسته و ابر به مراتب بزرگتر از ژنهای هسته مرکزی است که نشان دهنده تنوع و تغییرات ژنی در این دو فضا است.</p> <p>The bacterial pan-genome can be divided into the core (genes always occurring in any genome inside the pan-genome) the shell (genes frequently</p>

occurring) and **cloud** (rarely occurring genes).



قطعات آبی رنگ مربوط به ژنهای کاملاً محافظت شده (هسته سخت و نرم) سلول می شود. وجود و حضور همه این ژنها در همه ژنوم باکتریها ضروری است. به همین دلیل تغییرات در آنها ناممکن، نادر و بطئی است.

قطعات سبز رنگ شامل ژنهای جانبی موجود در بخش پوسته است. این ژنها به حد وفور در بیشتر ژنوم ها یافت و جابجا می شوند.

نواحی نارنجی/صورتی رنگ شامل ژنهای ناحیه ابر است و بندرت در همه ژنوم ها وجود دارند. تاکنون توصیفی دقیقی از آنها داده نشده است.

تو گویی همه چیز از سلول گرفته تا قرآن، تا زمین و آسمانها و ستارگان، تا معاد و قیامت جنبه منعطف/سخت دارد.

شکل 5. قطعات برش داده شده کل ژنوم باکتری (پان ژنوم) که در سه بخش پوسته (shell)، هسته نرم (soft core) و هسته سخت (hard core) مشخص شده است. در مجموع کل ژنوم به 14 بخش تقسیم شده است. نواحی آبی رنگ حاوی ژنهای کاملاً محافظت شده است. در این ناحیه تغییرات ژنتیکی محدود و دستکاری در آنها غیر مجاز است.

جمع بندی نهائی:

هیچ دینی به مثابه اتوبوس نیست. دین اگر بر حق نیست و جوابگوی آخرت و عاقبت انسان نیست اساساً دین نیست. از اسلام بیش از اینها انتظار می رود زیرا نسخه نهائی ادیان ابراهیمی است. یک آیه از قرآن اگر منطبق با علم و عقل نبود کل آن را باید رد کرد. ایراد لفظی قرآنی غیر قابل توجیه است هکذا ایراد علمی قرآن غیر قابل اغماض است. زیرا آیات آن محفوظ است. نه کم و کاستی از سوی خدا بوده است و نه از جانب جبرئیل امین و نه از جانب محمد امین. کل کتاب، کتاب آفرینش است.

از این فراتر هم باید رفت و به پرسش برنامه پرگار "اصلاح دین یا فراتر از آن"؟ اینگونه پاسخ داد:

نه اصلاح که اگر بر خلقت زمین و آسمان هم خطائی وارد بود آن خطا را باید از چشم خدای اسلام و قرآن دید! یک زمین با اینهمه زیباییهایش، زیباترین کره عالم (شعر خلقت در مقاله احترام گیاه: احترام به خود، به محیط زیست خود و همزیست

خود، شهریور ۱۳۹۵ در همین سایت، انبار پر از رزق و روزی و آذوقه روز مبدا برای همه مخلوقات زمین! قیامت از اینهمه زیباتر و پربارتر است برای میلیاردها انسان خسته از زمین که مقدر است وارد بهشت بشوند و مورد استقبال قرار بگیرند با بهترین سلام ها، بهترین پذیرائی ها، بهترین اشربه و اطعمه! و شاید هم با تنعم های مادی و معنوی دیگر آنهم توسط زیباروترین خدمتکاران عالم (غلمان و ولدان) در نورانی ترین مکانها (بهشت ها).

۱. جنت فردوس

۲. جنت عالیه

۳. جنت نعیم

۴. جنت عدن

۵. جنت دارالسلام

۶. جنت دارالخلد

۷. جنت الماوی

۸. جنت دارالمقام

اماکن نورانی با افراد نورانی در ایام نورانی و در مراسم های نورانی! یک کانتراست (contrast) و هم سنجی کامل بین خداوند جمیل با همه جمال های خود (إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ). همه اسماء او در دو عالم زیباست (وَكَلَّمَ الْأَسْمَاءَ الْحُسْنَى) اما در جنت زیبائی ها (جَنَّتِي)، جمال ایزدی شکوه خاص خود را دارد. اوج (peak) جمال و جلال خداوندی است. بویژه وقتی همه زیبارویان بهشت (از فرشتگان گرفته تا حوریان، ولدان و غلمان) و همه مومنین روی زمین را در یک جا جمع هستند (تقرب دائمی پس از یک هبوط و مفارقت چند ده هزار ساله انسان). یک جماعت به اوج رسیده، به رضا رسیده، به تبلور رسیده، نور دیده و نور تولید کرده، یک مکانی که نامش قیامت است، جناتش اگر ماورائی نیست، از جنس مادون قرمز و ماوراءبنفش و از این قبیل طیف ها نیست، لابد از جنس ماده و روح است، مرکب از زمین و آسمان است. محیط بدخشانی که مظهرش نور است، ساکنین اش نور هستند و چون هم خود مولد نور هستند و هم از نور دیگران متأثر و نورانی تر می شوند (مراجعه شود به نوشته ها و اشعار من در مورد پدیده حدنصاب حسگری (quorum sensing) و نیز مقاله "ساعت قیامت - ساحت قیامت. جهنم یا بهشت؟" در همین سایت)، درخشندگی مافوق نور دارند. با معیار زمینی واحد سنجش آن مکان نور است.

مصدق بارز نور علی نور است. تبادل زیبائی ها و تماشائی هاست. به این ترتیب، خوردن و خوابیدن در یکی از جنات از کمترین بهره های بهشتی و از خفیف ترین لذات وعده داده شده است. آنچه لذت بخش است و ارضا کننده، بصر است و بصیرت، منظر است و مظهریت، اطمینان است و اشتیاق، منزلت است و مرتبت و قرار است در بهترین مکانت. مکان نعمت ها و تنعمات وعده داده شده هرجا باشد نوع نعمت های آن زائد الوصف است. میوه هائی با نامهای زمینی (انگور، خرما، انجیر، زیتون)، نهرها و چشمه هائی لبریز از شراب های آشنا در زمین (آب صاف و خالص که بدبو نمی شود، نهرهایی از شیر که طعم آن دگرگون نگشته، نهرهایی از شرابی طهور که مایه لذت نوشندگان است و نهرهایی از عسل مصفّی است)، و

دختران و پسرانی که کم سن و سال هستند. مهمترین مشخصه این نعمات خراب نشدن و خرابی بار نیآوردن است. شادابی و پیر نشدن است، همیشه مهیا بودن است. نعماتی که سیری ندارد؟ دفع ندارد؟ گناه ندارد، شرب دارد خماری ندارد؟ جمع دارد اما تجمع ندارد؟ بهترین ها را دارد، دو تا دو تا دارد: دو باغ، دو رود، دو میوه، دو شئی با ارزش (یاقوت و مرجان) و کمی داخل تر، دو باغ دیگر به رنگ سبز سیه گون، با دو چشمه همیشه جوشان، با دو میوه خرما و انار، و آخر هم حوریانی پرده نشین غریف و پاکدامن، تکیه زده بر بالشهای سبز و فرشهای نیکو (لذت بدون گناه). خجسته باد نام پروردگار ذوالجلال و الاکرام (سوره الرحمن). (لذت دنیا به یک خوردن است/محنت آدم به یک مردن است/ لذت دیگر ندانم کجاست/جز که بخوابم بدانم کجاست).

بلی که این دین با این عمق الی ابد است. پروژه خدا با این وعده های وصف ناپذیر ادامه عمر بشر و حیات طیبه بشر است. جسم او را نه در داخل فریزرهای صنعتی ایستاده و خوابیده که در فضای نورانی باغات جاویدان خواهند کرد و چون هضم و جذب و دفع غذا ندارد پس جسم او دیگر مخلوطی از سلولهای انسانی و باکتریائی نیست بلکه سلولهای خالص و مخلص اوست که روی زمین توسط خود او پرداخته شده است و برای دنیای دیگر آماده شده است که اگر هم مثل خدا و فرشتگان به تغذیه احتیاج ندارند تعلق خاطری به زمین و نعمت های آن ندارد و از تغذیه مشابه تغذیه زمین منزله است. اوج لذت اولذت دیدار (لقالله) است و بس.

با این اوصاف مگر می شود با نوسانات سلیقه ائی این و آن و دهن کجی تعدادی دنیا دوست و دنیاخواه و بیزار از دنیای باقی آیات خدا را تغییر داد و خم به ابرو نیآورد؟ مگر عارضه لاغری و یا چاقی است که زیر چاقوی جراحان زیبایی فرم مطلوب بگیرد؟ مگر تغییر زمینی آسمان ممکن است؟ مگر دروغ بستن بر خدا و از غیب گفتن بدون عواقب و بدون تحمل مجازات است؟ مگر مدعیان زن بودن فرشتگان، داشتن فرزندان دختر برای خدا و فرزندان پسر برای خود، در هنگام خلقت ایشان حضور داشتند؟ (أَمْ خَلَقْنَا الْمَلَائِكَةَ إِنَاثًا وَهُمْ شَاهِدُونَ-یا فرشتگان را زن آفریدیم و آنان شاهد بودند. آیات ۱۴۹ به بعد سوره صافات) و هکذا مدعیان و حیانی نبودن آیات الهی.

اینگونه که شما بودید همه زمین و آسمان در این کتاب است، همه ادیان جمع قرآن است، همه چیز در قرآن دوار است. عبادات اسلام گراگردی است، حرکت جهان گراگردی است، حرکت اتم ها گراگردی است، همه منظومه های آسمانی گراگردی است، حتی نماز فردای یک فرد مسلمان در کنج خانه گراگردی است (مراجعه شود به مقاله نماز و مقایسه عملکرد آن با انواع دستگاه پی سی آر در همین سایت)، همه در طواف یک خالق اند. چه بدانند و چه ندانند! طواف دور خانه خدا (کعبه) یک حرکت سمبلیک برای طواف همه آفرینش حول محور ذات خداوندی است. لذا اکتشافات علم، اکتشافات آیات قرآنی هم هست.

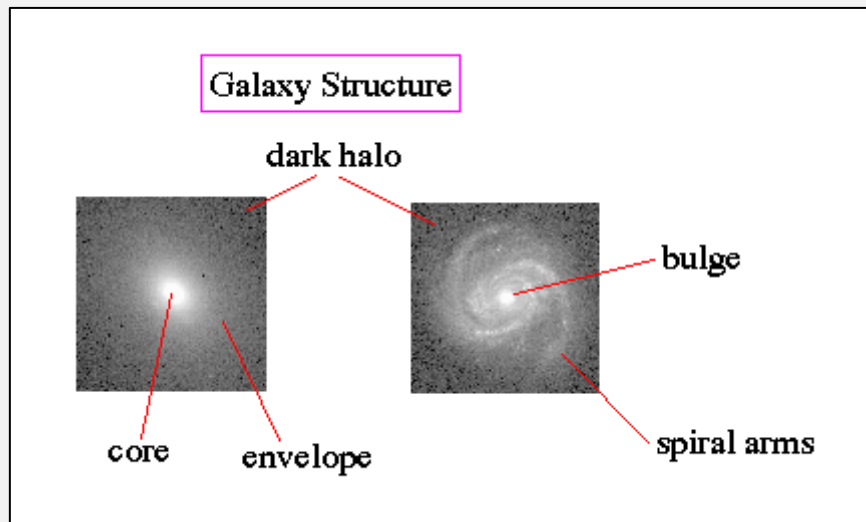
اسلام، نگرانی از علم ندارد وگرنه آن را بر زن و و مرد مسلمان فریضه واجب نمی دانست. وظیفه هر نواندیش دینی کشف حقایق عالم است. اگر چروکیدگی ذجاجیه چشم و یا کوچک شدن و تحلیل رفتن مغز به او این اجازه را نمی دهد که کشف مبین بکند حداقل مطابقت امور بدهد. دین و کتاب دین را با علم روز مطابقت بدهد. اگر چنین می شد انسان به خود می آمد

که اگر ساختار فیزیکی و ژنتیکی یک سلول ابتدائی (باکتری) این قدر دقیق است مطمئناً ساختار قرآن صدها برابر دقیق تر، ظریف تر و منسجم تر از یک سلول است اگر نگوئیم دقت نظر و حوزه عمل آیات قرآنی به مراتب دقیق تر و منظم تر از نظم کهکشانها است. زیرا کهکشانها فعل خدا هستند و قرآن حرف خدا.

نگرانی مسلمانان نه از ناحیه اسلام و قرآن که از ناحیه مسلمانی خود ایشان است. دین سخت آدمهای سخت کوش می خواهد کشورهای اسلامی قرنهایست فاقد این افراد است. خوشبختانه هر از چندگاهی مصلحینی می آیند و دین خدا را آنطور که هست تبلیغ می کنند و این جای خوشحالی دارد. درست است هر از چندگاه می آیند اما سربزنگاه می آیند. یکبار روخوانی (کدخوانی) آیات می کنند و برای چند دهه دین خدا را زنده نگه می دارند. بقیه آدمها یا منفعل اند، یا مدعی و یا مخترع! تا می توانند قرائت های مختلف از دین می دهند تا بدست مسلمانان از دین قرآن زدائی (مخدوش کردن کدهای دینی) بشود. همه این کاره اند اما خارج چشم همه ایشان، مصلحین دین هستند.

در مورد ستارگان حرف زیاد است. ستارگان هم بمانند سلولهای انسانی در کهکشانها عمل می کنند. سلولها با هم انسان یا هر موجود دیگر را پدید می آورند و ستاره ها با هم کهکشانها. جالب اینجاست که ساختار ستارگان هم از دو ناحیه مرکزی (core) و پوسته، پاکت، پوشش و یا لفافه (envelope) تشکیل شده است (شکل ۶). به این ساختار، ساختار هسته و پوشش هسته اطلاق می گردد (core-envelope structure of stars).

هسته مرکزی قسمت فشرده، متراکم و داغ ستارگان است (hot, dense, compact core) و پوشش ولایه بیرونی هسته کم متراکم خنک و در حال توسعه و گستردگی است (cooler, low-density, extended envelope).



شکل ۶. ساختار هسته و پوشش بیرونی هسته ستارگان (core-envelope structure of stars). هسته مرکزی به صورت ناحیه فشرده، متراکم و داغ است و اطراف هسته به صورت کم متراکم، خنک و در حال توسعه (وبلاگ در دنیای علم چه می گذرد؟! به نقل از سایت نجوم ایران، ۱۳۹۰ و Astronomy 162: Introduction to Stellar, Galactic, & Extragalactic Astronomy. Lecture 10: The Internal Structure of Stars).

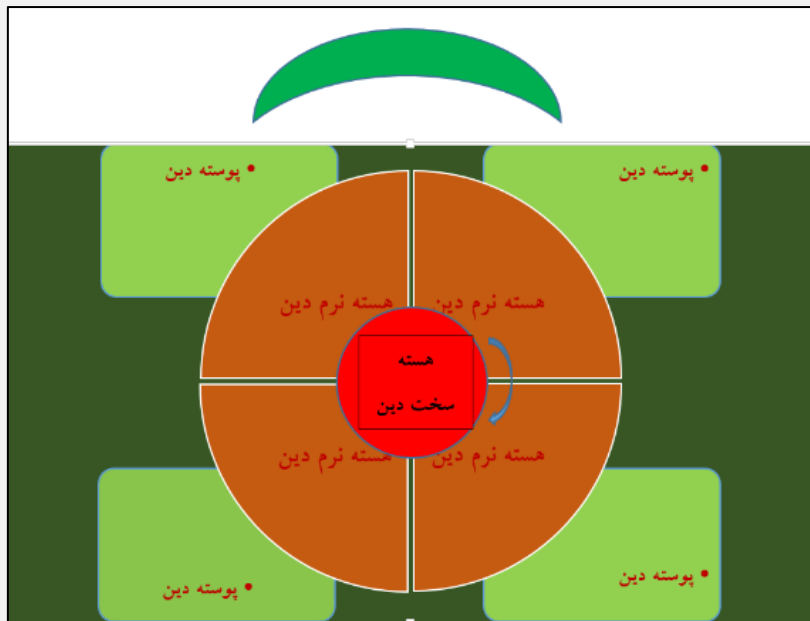
در خصوص ستاره های دنباله دار که به منزله فسیل های کهکشانی هستند ساختاری کمی پیچیده تر دارند. و به جای دو جز از سه جز تشکیل شده اند: هسته، گیسو و دم. هسته، بخش مرکزی آن است و از گرد و غبار و گاز و یخ ساخته شده است. وقتی که دنباله دار نزدیک خورشید می شود، یخ های موجود در هسته آن تبخیر می شود و تبدیل به ابر بزرگی پیرامون دنباله دار می شود که گیسو نام دارد. اندازه ستاره دنباله دار تقریباً به اندازه یک شهر کوچک است. از میان تمام اجرام آسمانی کوچکی که در منظومه شمسی حضور دارند ستاره های دنباله دار دارای اجرام بسیار ویژه ای هستند. احتمال داده می شود این اجرام در پدید آمدن حیات روی کره خاکی نقش داشته باشند.

بنابر گفته پژوهشگران، اسیدهای آمینه که پدیدآورنده حیات هستند زمانی تشکیل شده اند که یک ستاره دنباله دار یخی با یک سیاره و یا با یک شهاب سنگ از جنس صخره با یک سیاره پوشیده از یخ برخورد کرده است. با این حساب می توان نتیجه گرفت که همچنانکه قسمتی از DNA ها محافظت شده اند. ستاره ها هم نواحی محافظت شده دارند.

همچنانکه در قرآن قسمتی از آیات محکومات و قسمت دیگر تشابهات هستند. دنیا منعطف است. کتب خدا منعطف است. فرامین منعطف است. ژنهای بدن منعطف است. پیامبر خدا منعطف است. اصول ثابت و فروع منعطف است. این وسط فقط آدمهای دگم و متعصب غیر منعطف اند.

دستور و نظر خدا حفظ قرآن و نه تغییر آن آنها در بخشهای کاملاً محافظت (محکومات) شده است. زیرا همچنانکه یک سلول بدن از نواحی و اجزای مختلف تشکیل شده است، یک آیه از آیات محکومات قرآن هم دارای نواحی مختلف و اجزای متفاوت است (شکل ۷).

بطورمثال، در مورد نماز بعضی از اعمال واذکار نماز، رکن (محافظت شده) و بعضی دیگر غیر رکن (غیرمحافظت شده) هستند. عمل نکردن به ارکان نماز که شامل نیت، قیام، تکبیرة الاحرام، رکوع و سجود (دو سجده) است نماز را باطل می کند. غیر ارکان شامل قرائت، ذکر (گفتن "سُبْحَانَ اللَّهِ" یا "اللَّهُ أَكْبَرُ" و مانند آن در رکوع و سجده و نیز در تسبیحات اربعه، تشهد و سلام)، تشهد، سلام، ترتیب و موالات (پی در پی بودن اجزای نماز) است که اگر عمداً به جا نیآورده شود نماز را باطل و اگر سهواً به جا نیآورده شود نماز صحیح است.



شکل ۷. ساختار دین (قرآن) شامل سه بخش لاینفک بخش پوسته (shell)، هسته نرم (soft core) و هسته سخت (hard). شعاع هسته سخت و نرم قرآن قابل مقایسه با شکل بالا نیست. بیشتر شبیه شعاع عمل مسلمانی ماست! تحقیقا فقط یک سی ام قرآن جزو آیات متشابهات هستند (۲۰۰ آیه). بقیه قرآن (۶۰۳۶ آیه) از محکّمات است.

تعریف و نمونه هائی از آیات محکّمات:

طبق تعریف "محکم" برگرفته از "حکمت الدابة" به معنای "منعت" (منع شدن) است. و "حکم" عبارت از جداسازی دو چیز است. و معنای دیگر محکم "متقن" (استوار) است. محکّمات آیاتی است که معنای آن‌ها روشن است و با معنای غیرمراد اشتباه نمی‌شود. به این دسته آیات باید ایمان داشت و به آنها عمل کرد (ویکی فقه دانشنامه حوزوی و ویکی شیعه دانشنامه مجازی مکتب اهل بیت).

دلیل بر وجود آیات محکّمات تصریح خود قرآن کریم است: "هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ" - اوست کسی که این کتاب را بر تو فرو فرستاد پاره ای از آن آیات محکم (صریح و روشن) است آنها اساس کتابند و (پاره ای) دیگر متشابهاتند (که تاویل پذیرند) اما کسانی که در دل‌هایشان انحراف است برای فتنه‌جویی و طلب تاویل آن (به دلخواه خود) از متشابه آن پیروی می‌کنند با آنکه تاویلش را جز خدا و ریشه داران در دانش کسی نمی‌داند (آنان که) می‌گویند ما بدان ایمان آوردیم همه (چه محکم و چه متشابه) از جانب پروردگار ماست و جز خردمندان کسی متذکر نمی‌شود" (آیه ۷ سوره آل عمران).

جای شک و شبهه نیست که بیشتر آیات قرآن محکم است. یعنی دلالت آنها واضح و روشن است. آیاتی هستند که نه احتمال تفسیر در آن می‌رود و نه نسخ و تبدیل. زیرا که هر آنچه باید نسخ می‌شد، فراموش می‌شد و یا تبدیل می‌شد قبلا به آن اقدام شده است:

مَا نَنْسَخُ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِّنْهَا أَوْ مِثْلَهَا لَمْ نَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ - ما هیچ آیه‌ای را نسخ نمی‌کنیم و از یادها نمی‌بریم مگر آنکه بهتر از آن و یا مثل آنرا می‌آوریم مگر هنوز ندانسته‌ای که خدا بر هر چیزی قادر است. بقره/۱۰۶)

و نیز آیه و إِذَا بَدَلْنَا آيَةً مَّكَانَ آيَةٍ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُنزِلُ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مُفْتَرٍ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ - چون آیتی را بجای آیتی دیگر تبدیل می‌کنیم، با اینکه خدا داناتر است باینکه چه نازل می‌کند می‌گویند: تو دروغ می‌بندی، ولی بیشترشان نمی‌دانند (نحل/۱۰۱).

و چه معلوم که این تغییرات در بعضی آیات (متشابهات) امر دائمی است و جز خدا کسی از آن با خبر نیست! محو یک آیه و یا جایگزینی آن با آیه دیگر در همه آثار منتشره اگر برای خدای قادر متعال سهل و آسان نیست پس برای کیست؟

اما اگر روی زمین باشیم و زمینی فکر کنیم از مجموع تعداد کل ۶۲۳۶ آیات قرآنی، فقط تعداد اندکی (حدود ۲۰۰ آیه) جزو آیات متشابهات هستند. بقیه محکومات هستند. در حالیکه در ساختار سلول دیده شد حدود یک سوم ژنها در داخل سلولها محافظت شده هستند بقیه ژنهای جانبی هستند. این است که باید اذعان کرد که استحکام کتاب خدا از سلول و انجم و هر موجودی که او آفریده است بیشتر است و قدر آن باید در حد خود دانست و به آن ارج گذاشت. نمونه‌ای از آیات محکومات:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ - معبود برحقى جز الله نیست.

وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ - کم فروشى نکنید و حق پیمانہ و وزن را با عدالت ادا کنید.

وَلَا تَقْرَبُوا الزِّنَا - نزدیک عمل زنا نروید.

وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ - به مال و ثروت یتیم نزدیک نشوید.

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ - بگو اوست خدای یگانه.

لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ - مرد دو برابر زن ارث می‌برد.

و هكذا آیات مربوط به:

الوہیت و ربوبیت خداوند - إِنْ رَبُّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ.

ایمان به پیامبران - فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ.

ایمان به کتب آسمانی - وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ

ایمان به روز قیامت - يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ.

ایمان به ملائکه - الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا.

عدل - وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ.

صداقت- قَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمٌ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ.

امانت- إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا.

احسان- إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ.

وفای به عهد- بَلَىٰ مَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ وَاتَّقَىٰ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ.

احسان به والدین- لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا.

صله رحم- فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتَقَطِّعُوا أَرْحَامَكُمْ (منبع: دانشنامه موضوعی قرآن).

تعریف و نمونه هائی از آیات متشابهات:

تعداد این آیات دقیقاً مشخص نیست!! درباره تعداد متشابهات در قرآن کریم، میان دانشمندان اختلاف است و این اختلاف ناشی از نسبی بودن مفهوم تشابه می‌باشد. **جلال الدین سیوطی** تعداد متشابهات قرآن را بالغ بر ۵۰۰ مورد می‌داند. **قاضی عبدالجبار** تعداد آن‌ها را ۸۷۵ مورد دانسته است. در **التمهید فی علوم القرآن** تعداد متشابهات حدود ۲۰۰ مورد شمرده شده است (ویکی پدیا، ۲۰۱۷). **بیشترین آیات متشابه، در خصوص صفات و افعال خدا است.** بطورمثال:

ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ - سپس آهنگ آفرینش آسمان کرد و آن بخاری بود.

ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ - آن‌گاه بر عرش استیلا یافت.

الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى - خدای رحمان که بر عرش استیلا یافته است.

فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى - و شما آنان را نکشتید بلکه خدا آنان را کشت و چون (ریگ) به سوی آنان افکندی، تو نیفکندی، بلکه خدا افکند.

با توجه به مراتب فوق، انتظار برحق از مصلحین و نواندیشان دینی این است که قرآن را از سلول و سلول را از قرآن جدا نینند. ستارگان را در کهکشان‌ها جدا از هم نینند. ساختارها یکیست. وحدانیت یکی است. تعبد یکیست. زبان دین، زبان علم و زبان آخرت یکیست.

همه آیات خدا (از سلول تا انجم و تا آیات کتب آسمانی) از دو بخش سخت یا نرم تشکیل شده‌اند. نباید کوشید وارد حوزه آیات محکمات یا هسته سخت قرآن شد. زیرا قسمت‌های هسته همه آیات، متراکم، فشرده و کاملاً سوزان هستند. در این وادی هر کس جهالت کند حتماً پرش خواهد سوخت. سوزندان پر خویش، کار منکران و مشرکین و ملحدین است. مصلحین شان متفاوت دارند. این بخش نه محتاج استنباط و نه استشهاد است. قابل مذاکره با هیچ بنی‌انسان با بنی‌جن نیست. با این کار هم ماشین دین را از کار می‌افتد و هم فرد مغلوب خسر الدنیا و الاخره می‌شود.

نباید از زبان نواندیش دینی این جمله مریبی‌های فوتبال وطنی شنیده شود که مسئولیت این باخت را شخصاً برعهده می‌گیرم (حرف مفت)! بلکه همچنانکه در مقاله "**قرآن جعبه نور- قسمت اول**"- سایت حاضر آوردم **چه افتخاری بزرگ بر ما مسلمانها**

که کتاب محفوظ قرآن را داریم. امروزه موجودات بر اساس ژنهای محافظت شده (conserved genes) طبقه بندی می شوند. هر چه محافظت تر، اصیل تر، لایتغیرتر. از آن سو هر چه ما از قرآن دورتر، غیرمسلمان تر، آسیب پذیرتر. اتفاقاً در موجودات میکروبی که سر منشاء موجودات عالم هستند این آسیب پذیری از طریق انتقال جانبی ژنهای بیگانه صورت می گیرد. منتها حد تغییر و سطح دریافت ژنهای خارجی و تبدیل آنها به صفات اکتسابی (Horizontal gene transfer, HGT) در سطح میکروبیها حدوداً ۸۰٪ است.

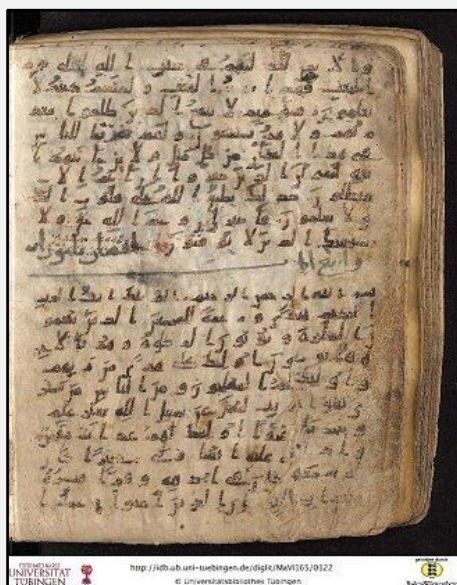
منتها انسان که میکروب نیست. ژنوم او کمترین سهم را در جذب ژنهای خارجی دارد. وجودش چون ژنهایش کاملاً محافظت شده است. ابوالبشری است که بقول مولانا صد هزاران علم در هر رگ است.

پس مسلمانی خود را چون وجود خود و کتاب آسمانی خدا محفوظ بداریم. بویژه اصول و فروع دین را. اصول ریشه دین و فروع شاخه های آنست. ریشه حفظ بشود شاخ و برگ دوباره رشد می کنند هرچقدر هم که هرس شدید و آثار هرس مهلک باشد. فروع فروع و فضول فروع بپائید جای اصول را نگیرد. اگر در پی به روز شدن دین خود با حفظ همه آیات محکمات هستیم. ژنهای مطلوب را از هر منبع مطمئنی می شود گرفت، در خود حل کرد و صفات جدیدی را از فرهنگ دیروز و امروز خودبه جهانیان معرفی کرد. مدرنیته فصل جدید این قرن است. با آن باید زندگی کرد و از مواهب آن برخوردار بود.

آنچه مذموم است استحاله شدن است، الینه شدن است، از خود، از زبان خود، از فرهنگ خود و از دین خود بیخود شدن است. باید این آیه نورانی خدا را آویزه گوش خود قرار دهیم که سخن خدا هرگز با فوت نادانان خاموش نمی شود (يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ) - می خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند و حال آنکه خدا گرچه کافران را ناخوش افتد نور خود را کامل خواهد گردانید. آیه ۸ سوره صف).

خانۀ مخروبه شدم	باز که من خانه شدم
خانۀ بهساز شدم	خانۀ میخانۀ شدم
خانۀ با ساز شدم	یار نبود خانۀ شدم
نوحۀ نوساز شدم	می خور این خانۀ شدم
حرف زدم هرزه شدم	باز چرا غره شدم
آدم بدکاره شدم	دین گمان گونه شدم
روحی فداه ناله شدم	بیب نبود بیوه شدم
اینهمه مفت پاره شدم	بی بی بی بی سی (BBC) شدم
عاق شدم داغ شدم	نقد شدم نفلۀ شدم

دوده این خانه شدم	رهبر بیدانه شدم
اینهمه شک رانده شدم	شاخ شدم شاخه شدم
دین خدا مانده شدم	شحنه مستانه شدم
خام شدم خوار شدم	



شکل ۸ نسخه‌ای از نسخ پیادگار مانده کلام الله مجید که در کتابخانه دانشگاه توبینگن (Universität Tübingen) آلمان نگهداری می‌شود این نسخه در صناعا پیدا شده است و مربوط به قرن اول هجری است. طبق این سند تحریفی در قرآن امروزی مشاهده نگردید.

آیه اکمال

(۱۳۹۱)

آیه سوم سوره مائده

الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا

(امروزه دینم را برای شما کامل گردانیدم و نعمتم را بر شما تمام نمودم و اسلام را برای شما به عنوان آیینی برگزیدم)

صبا را گفته ام اعلام دین کن

برای خلق من اعجاز دین کن

به ایمان مردم از آتش گریزند

برای عافیت اکمالدین کن

آیه ۵۰ سوره بقره

وَإِذْ فَرَقْنَا بِكُمُ الْبَحْرَ فَأَنْجَيْنَاكُمْ وَأَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ

(و آنهنگامی که دریا را شکافتیم و شما را رها نمودیم و فرعونیان را در حالیکه قوم بنی اسرائیل نظاره می کردید غرق ساختیم)

به دریا گفته ایم موسی رها کن

برای قوم او فرعون فدا کن

غرور آدمها بر آب و خاک است

نشان لطف ما افزون نگاه کن

قرآن کتاب اعجاز

۲۳ مرداد سال ۱۳۹۲

(وَلَوْ أَنَّ قُرْآنًا سُيِّرَتْ بِهِ الْجِبَالُ أَوْ قُطِّعَتْ بِهِ الْأَرْضُ أَوْ كَلَّمَ بِهِ الْمَوْتَى لَ لَئِن لَّمْ يَأْمُرْ جَمِيعًا. آیه ۳۱ سوره رعد)

اگر کتابی در عالم بود که در موقع خواندن، کوه ها را به حرکت در می آورد و در زمین سیر می داد، یا زمین را قطعه قطعه می نمود، یا به وسیله آن مردگان به صدا می آمدند و تکلم می کردند، همانا قرآن بود. زیرا قرآن برترین کتب آسمانی است. درج نظر در سایت [بینابوز](#) ذیل گزارش "ترکیه ۳ ایرانی را که اقدام به آتش زدن قرآن کرده بودند اخراج کرد" مورخ

۱۳۹۳/۱۱/۱۷، فایل شماره ۱۰۹.

آسان نخوان این آسمان

در سوره رعد آمده

ارزان مده این یک کتاب

یک آیه کامل آمده

بر خود بیال از این کتاب

قرآن کتاب معجز است

آثار وحی منزل است

بر هر کتابی معجز است

محبوب قلب مومن است

سه رمز این معجز بدان

امر جمیع است مقتدا

بر دیگران آسان بخوان

نازم به شست مصطفی

کوههای او تخت روان

قرآن کتاب مومن است

با هر زبان یکتا زبان

راز بقای مومن است

با مرده گان صحبت کند

منکر نشو تو آیه ای

پوست از زمین نازک کند

آیت بدان هر آیه ای

از بس شکافد این زمین

کم پشت بکن بر آیه ها

تسلیم محض گردد زمین

بالش نکن این واژه ها

این است بیان آسمان

صورت بدان هر صورتی	آبی بیار آبی بده
ساعت بدان هر ساعتی	خشکیده جان اند مردمان
ساحت به آدم می دهد	صورت ستاد گفته هاست
ایقان به انسان می دهد	عورت نشان کرده هاست
بویش کنی بویت کند	صورت نبود معنی بیار
خواند تو را بوست کند	معنی نبود عورت نیار
تا ناکجا همراه توست	باری چمن دیدی برو
باور بکن یاور خداست	از هر چمن گفتند نرو
جانم به قربان نبی	بی چشم و رو دیگر نباش
آزرده است از ما نبی	زیر لگد دیدی نرو
مومن کجا آدم کشد	تقصیر ماست تقصیر ما
مسلم کجا مسلم کشد	چون روغن است افعال ما
آدم به آدم می رسد	تا گرم گرم گرما شویم
حیوان کجا آدم رسد	از مرحبا فتوا شویم
بر ما خدا یک محضر است	جمع کثیری در زمین
این فرق ما تا محضر است	جائی ندارند این زمین
باران بیار تا شب بیار	بیشتر نبود کمتر خورند
خیسم بکن جانم بیار	بیشتر کجا کمتر خورند
من جان خود کم داده ام	تا بچه ایم ما بچه ایم
بر زهد خود کم داده ام	بالغ شدیم کم بچه ایم
جمع کثیرند مردمان	این یک بلوغ ناقص است
لب تشنگان اند مردمان	از بچگی ما بچه ایم

منشور دین

بی تفسیر - بی تقصیر

(روز چهارم ماه مبارک رمضان ۱۴۳۶ ه.ق برابر با ۱۳۹۴/۳/۳۱ ه.ش).

هر کس دفاع خود کرد	بر من نشست دین است
هر کس مطاع خود کرد	مذهب به جای مذهب
کنار دست ما گفت	مکتب به جای مذهب
گویا خدا چنین گفت	بر باشیان زنا چوب
آن وقت ها چنان بود	بر غاصبان غذا سوپ
این وقت ها چنین است	بر خاطیان کبار لوط
این گفته اش دلیل است	بر لاتیان لواط لوط
آن گفته اش ذلیل است	دنیا اگر بگوید
پاید اگر به روز است	کو بی ادب چرا لوط
ناید اگر به زور است	گویم بدا بلا لوط
روزی اگر نباشد	اول زنای پنهان
کفری به ما نباشد	دوم لواط پنهان
ارث اش نفاق دین است	سوم بلای پنهان
نهی اش فغان دین است	اینست که بد نگفتند
جهدش جهاد کین است	بر تو به تو نگفتند
کین اش لباس دین است	بعد از زنا لواط است
خوب اش بدای دین است	بعد از حیا حیات است
.....	وصل است اگر سرشتند
گفتم تو حرف خود زن	فصل است اگر نوشتند
کمتر به خود خدا زن	آیات ما نه یک کم
تاویل اگر نباشد	آیات ما نه یک بیش
تقصیر تو چنین است	ما را حضور بخواند
کم کار تو نبوده است	هرکس نخواست نخواند
کم بار تو نبوده است	این رمز آفرین است
از تو شکست دین است	این نقش آخرین است

آثار خود ندیدی	تا هست خدا چنین گفت
جز خود کسی ندیدی	پستی اگر حلال است
حرفی زنید درخشان	آیات ما حرام است
کاری کنید بدخشان	ما خود قضا فرستیم
آثار خاک نماند	از قصد قضا فرستیم
آثار پاک بماند	گاهی شهاب فرستیم (مثل افتادن شهاب سنگی عظیم در خلیج مکزیک که قدرتی برابر چند بمب اتمی داشت و همه گیاهان و جانوران را در یک دوره ای نابود کرد)
بر مخلصان مجیب است	گاهی کتاب فرستیم
بر منکران عجیب است	بر خاک ما کتاب است
هر آیه اش کتاب است	بر پاک ما نگاه است
هر گفته اش حساب است	
با جبرئیل فرستاد	
یا خود جمیل فرستاد	
با ناکسان بگوئید	
حرفی به مفت نگوئید	
بر ما خدا چنین گفت	

قرآن و مکتب

(سروده شد صبح روز جمعه مورخ ۱۳/۶/۱۳۹۴)

جواب مرا جاودان دادند	معاند من اشقیا بودند
سلام مرا ساکنان دادند	
به گفته خود شاهدان گفتند	کتاب وزین به ما دادند
کتاب مرا شادمان دادند	تلاوت خوب سبک ما دادند
عطار من اتقیا بودند	به خنده گفت آسمان دادم
عوالم من انبیا بودند	به حق که مجید مجد ما دادند
به هر طرف سوی حق رفتم	مذاهب ما دیگران دادند

به خود نرسیم خدا نرسیم	مکاتب ما بیکران دادند
خدا نرسیم به خود نرسیم	به حق که نبود اشقیا دادند
خدا که نگفت بی خدا باشد	مگر به خدا راه ما دادند
خدای خدا ما خدا نرسیم	بخاطر ما راه ما دادند
نصیب مرا مشت آب دادند	بخاطر ما جای ما دادند
به تو نرسید مشت خاک دادند	زمین طلبان در زمین رفتند
بجوی که مرا در زمین یابی	مگر به برین جای ما دادند
به من نرسی مشت پاک دادند	

دین حنیف

(۱۳۹۵/۱/۱۸)

دم نزنم جفا کنم	من چه کنم چکار کنم
شرط بلاغ ملاغ کنم	صلح بکنم یا نکنم
فصل خدا فدا کنم	دم بزنم یا نزنم
گناه خود تمام کنم	سعی بکنم یا نکنم
حرف خدا تباه کنم	حرف خدا را بزنم یا نزنم
انور دین انار کنم	شب برسد پر بکشم یا نکشم
عصمت دین نثار کنم	روز به خود وعده دهم یا ندهم
کم بکنم قیاس دین	من چه کنم چکار کنم
دین یهود دین مسیح دین محمد رسول	ثواب کنم کباب کنم
هر سه دین بلاغ دین	ثواب خود کباب کنم
هر سه دین صدای دین	این بکنم یا نکنم
دین حنیف مرام دین	ره ببرم یا نبرم
آل خلیل قوام دین	صف بکنم یا نکنم
بت شکنی مقام اوست	پر بزنم فرار کنم

این نکنی گناه توست	تیره هوش آدمی
تیره او سه تیره از دو تیره است	حظ خدا طاعت محض
تیره سارای یهود	حرف خدا ساحت شخص
تیره سارای مسیح	طاعت قانون خدا
تیره هاجر رسول	طاعت قانون حیات
تیره سخت آدمی	طاعت قانون ممانعت
تیره بخت آدمی	طاعت قانون معاد
آل رسول تیره فهم زندگی	طاعت قانون نکاح
تیره قدیم تیره جدید	طاعت قانون طلاق
دین خدا دین قدیم دین جدید	طاعت قانون بدن
هر سه دین قوام ماست	خون بدن روی بدن
هر سه دین دوام ماست	روح بدن نور بدن
دین به خدا دین خداست	هر ژن او خوی بدن
هر چه صحف دین خداست	طاعت او شیر عسل
تیره خوب آدمی	صحبت او عین عسل

بهبود است

(دو ساعت مانده به اذن صبح روز شنبه ۱۳۹۵/۱۰/۲۵)

روز تو خوش بود بگو بهتر است	پاره سنگ بود نگو بهتر است
خوش تر از این بود بگو بهتر است	پاره تن بود بگو بهتر است
کثرت آدم نگو بهتر است	راضی و مرضی بگو بهتر است
قلت آدم بگو بهتر است	خلقت آدم بگو بهتر است
صورت زیبا نگو بهتر است	زاهد خاموش بگو بهتر است
خصلت زیبا بگو بهتر است	سایه یزدان بگو بهتر است
خوار کسی شد نگو بهتر است	رفته کمانی بگو بهتر است
یار کسی شد بگو بهتر است	دیده جمالی بگو بهتر است

رفت که نیاید بگو بهتر است	روی تو دیدن بگو بهتر است
دید که نیاید بگو بهتر است	کوی تو بودن بگو بهتر است
راه خدا بود بگو بهتر است	کلبه احرار بگو بهتر است
خواست خدا بود بگو بهتر است	قبله اسرار بگو بهتر است
حرف ندارد بگو بهتر است	روز قیامت بگو بهتر است
کم نداند بگو بهتر است	خلق دو عالم بگو بهتر است
خاک نخواهد بگو بهتر است	عده ای غلمان بگو بهتر است
حکم نراند بگو بهتر است	عده ای سلمان بگو بهتر است
دست تو گیرد بگو بهتر است	مژده ولدان بگو بهتر است
شیر خدا بود بگو بهتر است	حور تماشا بگو بهتر است
ام ایها بگو بهتر است	روز تماشا بگو بهتر است
شاه شهیدان بگو بهتر است	فرش قیامت بگو بهتر است
زینب کبری بگو بهتر است	عرش سیادت بگو بهتر است
اکبر و اصغر بگو بهتر است	صاف نشستن بگو بهتر است
مادر عباس بگو بهتر است	ساق تو دیدن بگو بهتر است
فرت و ربی بگو بهتر است	قصه شب بود بگو بهتر است
شوق قیامت بگو بهتر است	خلوت شب بود بگو بهتر است
سهم عنایت بگو بهتر است	کسوت آدم بگو بهتر است
فضل هدایت بگو بهتر است	کثرت زیبا بگو بهتر است
نام محمد بگو بهتر است	نسخه صنعا بگو بهتر است
فصل خطاب است بگو بهتر است	نسخه معنا بگو بهتر است
وحی نبوت بگو بهتر است	آدم دانا بگو بهتر است
رخ که نماید بگو بهتر است	پرسش دانا بگو بهتر است
نیمه شب بود بگو بهتر است	نزد پدر بود بگو بهتر است
نیمه دیگر بگو بهتر است	نزد خدا بود بگو بهتر است

گنبد مینو بگو بهتر است	بوی تو دارد بگو بهتر است
گنبد خضرا بگو بهتر است	نور تو دارد بگو بهتر است
سبز نشاند بگو بهتر است	آیت حق است بگو بهتر است
صدر نشاند بگو بهتر است	ضامن دین است بگو بهتر است
میوه بهشتی است بگو بهتر است	کم نشمارند بگو بهتر است
سیره سرشتی است بگو بهتر است	ناسخ و منسوخ بگو بهتر است
زینت زن بود بگو بهتر است	شش دو سی شش بگو بهتر است (جمع آیات قرآن ۶۲۳۶)
پوشش زن بود بگو بهتر است	بهرتر از این نیست بگو کمتر است
حجب و حیا بود بگو بهتر است	سمعاً و طاعتبگو بهتر است
عقد و نکاح بود بگو بهتر است	قاتل آدم بگوفاسق است
پاک ترین زن بگو بهتر است	قاتل مومن بگو فاجر است
پاک ترین مرد بگو بهتر است	پوسته دین است بگو چارق است
طیب و طاهر بگو بهتر است	هسته دین است بگو طارق است
سعی و صفا بود بگو بهتر است	منذر دین است بگو بهتر است
حرف خدا زد بگو بهتر است	نهضت احرار بگو بهتر است
سوی تو آمد بگو بهتر است	مغنم و مختار بگو بدتر است
مشک خدا داد بگو بهتر است	خون جوانان بگو بهتر است
مصلح دین است بگو بهتر است	من که نشستم ندارم قرار
نو که بیاید بگو بهتر است	وقت اذان است بگو بهتر است
نوبر عالم بگو بهتر است	
حفظ و صیانت بگو بهتر است	
عین امانت بگو بهتر است	

حد من

(بعد از اذان صبح روز سه شنبه مورخ ۱۳۹۶/۱۰/۱۶ برابر با ۱۱ رمضان ۱۴۳۸)

ای خدا:

حد من حد تو نیست

رنگ من رنگ تو نیست

دست من دست تو نیست

فرض من فرض تو نیست

واقفم حرف تو نیست

شاهدم شان تو نیست

سخره در کار تو نیست

سفله در راه تو نیست

آن حیب دیدی مگر

حرف مفت گفتی مگر

حرف خود گفتی مگر

نسخه ها داری مگر

سفته ها داری مگر

مردمان داری مگر

عالمان داری مگر

حرف مفت گفتی مگر

حرف خود گفتی مگر

پیک ما بودی مگر

فیض ما دیدی مگر

در سماع بودی مگر

در منا بودی مگر

حرف مفت گفتی مگر

حرف خود گفتی مگر

حال خود دانی مگر

راه خود یابی مگر

یک سخن دانی مگر

بر سخنرانی مگر

حرف مفت گفتی مگر

حرف خود گفتی مگر

آسمان بودی مگر

ریسمان دیدی مگر

خواب خوش دیدی مگر

کشف نسخه جدید انجیل برنابا (Barnabas Bible) در ترکیه

چند روز پیش بود که این خبر را از رادیو ایران شنیدم (اوائل اردیبهشت ۱۳۹۶). از آنجائیکه بین این موضوع و مندرجات متن حاضر مطابقت ها و مفاهیم متعددی وجود داشت بر آن شدم در ویرایش فعلی این مقاله از این مطلب سود بجویم با این امید که قرن به قرن به نص صریح انجیل اصیل نزدیک تر بشویم و نسخه بعدی که کشف می شود انشالله مربوط به قرن چهارم میلادی و جلوتر از آن باشد!

روز تماشائی آن روزی است که مردم پیام های اصیل آسمانی را دریافت کنند. آن موقع بر مسلمانان فرض است آن را چون قرآن کریم ببوسند و بر آن تبرک بجویند.

کتاب خدا، یهود، نصاری و مسلمان نمی شناسد. قبله خدا هم که سیر الی الله است. مهم اینست که بازنگران و بازسازان دین توجه داشته باشند دارند دست به قرآنی می برند که از سوی خط نازل شده است و توسط همین انجیل تأیید شده است. نمی دانم می دانند جرم دست بردن به این قرآن کمتر از دست بردن حواریون متاخر به انجیل و تورات نیست؟ دیگران در حسرت کشف نسخه اصیل تر کتاب خود هستند و ما در فکر توجیه آیات نورانی کتاب خود هستیم! عقب ماندگی خود را به حساب اسلام می گذاریم. آیا وظیفه ما مسلمانان کشف متن است یا شک در متن؟

حالا که مسلمانان نگران کشف نسخه جدیدی از قرآن نیستند آیا نباید نگران نخواندن و بدخواندن قرآن خود باشند. مشکل دین ما دینداری ماست. مشکل اسلام بی توجهی ماست، منافع طلبی ماست، توجیها تاجوانمردانه ماست. پیاده نشدن یکی از هزار آیات خداوندی است. آیات گزینشی دمار از روزگار هر دینی بر می آورد. فرق هم نمی کند کتاب اصیل باشد یا اسیر. باید در قضاوت، کل کتاب/آیات را دید. البته تک تک اعراب آنهم مهم است. تعطیلی یک آیه تعطیلی کل آیات است. زناکاری مجازات دارد، دزدی مجازات دارد اما به شرطها و شروطها. شرط اول پیاده کردن تمام آیات قرآن است. برقراری ترازوی دیجیتال اسلام است. انتخاب اصلح ترین مومنین بر سر کار است. آن موقع قرآن در دست من و تو بوی صدر اسلام را می دهد.

اما تا آنجائیکه خواندم و فهمیدم انجیل برنابا کشف جدیدی نیست. پیشتر نسخه قرن ششم آن به زبانهای ایتالیایی و اسپانیایی بدست آمده بود (ویکی پدیا، ۲۰۱۷). نسخه گرجی آن هم در اختیار عالم و فاضل جلیل القدر اسلام مرحوم آیت الله شهاب الدین مرعشی بوده است. و این نسخه که امروز در ترکیه کشف شده است (سال ۲۰۰۰ میلادی) قدمت ۱۵۰۰ ساله دارد (شکل ۹). یک قرن اصیل تر، قدیم تر و مقدم تر. خود برنابا یکی از یاران عیسی مسیح بوده است. نام اصلی برنابای قدیس، یوسف است و تاریخ تولد او نامشخص است. وی از نخستین یهودهای شهر اورشلیم بود که به عیسی مسیح ایمان آورد. **انجیل منسوب به برنابا در قرون اول مسیحی و قرون متمادی پیش از اسلام وجود داشته و استفاده از آن در میان مسیحیان متداول بوده است.** کتاب به زبان

بهبودی یا بازسازی دینی؟ کدامیک؟

عیسی مسیح یعنی "زبان آرامی" است و این نشان می دهد به زبان عیسی و زبان وحی نزدیک تر است. بشارت های این کتاب جالب است:

۱. پیشگویی بعثت پیامبر اسلام ۱۰۰ سال قبل از بعثت حضرت پیامبر در سال ۶۱۰ میلادی.
۲. تاکید بر پسر خدا نبودن مسیح.
۳. مصلوب نشدن حضرت مسیح (ع).



شکل ۹. نسخه جدید انجیل برنابا در ترکیه در سال ۲۰۰۰ میلادی و بشارت مبعوث شدن پیامبر حدود ۱۰۰ سال قبل از بعثت آن حضرت (سمت چپ). آیه سمت راست تصویر مربوط به بشارت فوق در قرآن است که امید است در نسخ دیگر (اناجیل و دیگر کتب مربوط به عهد جدید و قدیم) که به اذن خدا در آینده کشف خواهند شد قابل رویت باشد. بدیهی است کار خدا بهم ریختن اعتقادات پیروان ادیان مختلف نیست. زیرا همه این ادیان الهی منشا واحد دارند. یک دین اند (اسلام) در چند کلاس. مگر پیروان خطا را بر روا ترجیح بدهند. بر دین خود و دین دیگران تعدی روا بدارند. در آن صورت موضوع اتمام حجت پیش می آید. معجزاتی دیگری رخ می دهد که شاید از تولد حضرت مسیح (ع) هم محیر العقول تر باشد و آن جانشینی فرشتگان به جای انسان در روی زمین است (وَلَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَا مِنْكُمْ مَلَائِكَةً فِي الْأَرْضِ يَخْلُقُونَ زخرف/۶۰). این موجودات می توانند انسانهای فرشته (پیامبران) و یا فرشتگان انسان بمانند فرشتگانی که بر ابراهیم نازل شدند (عنکبوت/۳۱) باشند. در این مشیت کلی سوژه خوابیده است. انسانهای روی زمین را می تواند به تعقل وا دارد. تبدیل شدن انسان ها به بوزینه همان مقدار دردناک است (اعراف/۱۶۶؛ بقره/۶۵) که محو شدن کامل انسان از عرصه حیات! چه بصورت دائم و چه موقت. سینماگران ممکنست آن را سوژه فیلم های سینمایی خود بکنند و مردم را با بهشت زمین آشنا بکنند. اما زمین زمین است. امتحان خود را دارد. اسرار خود را دارد. خدا این تغییر را بخواهد بدهد صرفاً برای پاکسازی زمین از انسان های پلیدی است که جمعیت ایشان به حد اشباع رسیده است و عرصه را بر صالحان و وارثان اصلی زمین تنگ کرده است. این دگرگونی نخواهد روی بدهد زمین زیبا جای زیستن نخواهد بود. لذا بد نیست کره زمین چند صباحی رنگ و روی آسمان بگیرد. رفت و آمدهای زمین و آسمانی بیشتر بشود. موجودات آسمانی در کرات دیگر از پشت پرده ظاهر بشوند. در زمین اقامت برگزینند. و این یک اتفاق فوق العاده شگفت انگیز است. این زمین دیدن دارد. شبیه بهشت موعود است. حق انسان فاسد همین است. محرومیت از مواهب زمین. مجازات موقت.

۱. نوشتند الفاظ آن شبیه قرآن نیست، نه در معانی و نه در الفاظ اما خیلی شبیه به روایات عالی ما است. جز این هم انتظار نیست. مهم نشان دار بودن آیات است که چون اشعه لیزر بر اعماق جان ها نفوذ می کند و نقش می بندد.
 ۲. نوشتند تعدادی آن را مجعول می دانند. طبیعی هم هست. اما تا کی؟ تا وقت سحر.
 ۳. نوشتند فرمان پاپ جلاسیوس اول مبتنی بر نهی مطالعه انجیل برنابا بوده است! (پاپ اعظم جلاسیوس در سال ۴۹۲ میلادی یعنی ۱۱۸ سال پیش از بعثت پیامبر اسلام به سمت پاپ منصوب شده بوده و فرمان او بیش از یک قرن پیش از اسلام صادر شده است). تصمیم او برای نهی از خواندن بهتر از تصمیم دیگر پاپ ها (به لاتین Papa به معنی پدر است) بر جعل است. اقدام روشن، صریح، بدون ریا و بی دون دفاع.
 ۴. برنابا برخی حواریان و رسولان، به ویژه پولس را در تحریفِ تعلیم عیسی دخیل می داند و در کتابش به مخالفت با آرای او پرداخته است (ویکی پدیا، ۲۰۱۷).
 ۵. برنابا برخی حواریان و رسولان، به ویژه پولس را در تحریفِ تعلیم عیسی دخیل می داند و در کتابش به مخالفت با آرای او پرداخته است (ویکی پدیا، ۲۰۱۷).
 ۶. و نیز نوشتند مرتضی فهمیم کرمانی ترجمه این کتاب را به درخواست مرحوم سید محمود طالقانی در زندان قصر انجام داده است. آیت الله طالقانی، دکتر خلیل سعادت (محقق مسیحی و مترجم انجیل برنابا به عربی)، سید محمد رشید رضا، سردار کابلی و جمشید غلامی نهاد برای این کتاب مقدمه نوشتند. دستشان مریزاد.
 ۷. در مجموع ۱۲ مورد اختلاف دیدگاه بین متن انجیل برنابا با قرآن وجود دارد که من به چند مورد آن ذیلا اشاره می کنم (منبع: مشرق ۱۳۹۱: ۱) مسیح موعود محمد است نه عیسی. حال آنکه قرآن عیسی را به عنوان مسیح تصدیق می کند [Jesus answered] "How shall the Messiah be called?" Then said the priest: "Muhammed is his blessed name". (۲) در این انجیل آمده که مریم عیسی را بدون درد زایمان به دنیا آورد اما قرآن به درد زایمان مریم اشاره می کند، (۳) بسیاری از مسلمانان بر این عقیده اند که خدا ۱۲۴،۰۰۰ پیامبر به جهان گسیل داشت، حال آنکه انجیل برنابا این رقم را به ۱۴۴،۰۰۰ نفر می رساند، (۴) مطابق تعلیم این انجیل، زمانی که تورات تحریف شد، خدا کتاب دیگری فرستاد، یعنی کتاب زبور یا مزامیر را. وقتی مردم این را نیز تحریف کردند، خدا انجیل را فرستاد تا جایگزین آن گردد.
- طبق این نظریه، هرگاه که کتابی الهی تحریف می شود، خدا کتاب دیگری می فرستد. نتیجتاً وقتی انجیل تحریف شد، خدا قرآن را فرستاد، (۵) مطابق این انجیل، نه آسمان و ده جهنم هست. اما قرآن تعلیم می دهد که فقط هفت آسمان وجود دارد، (۶) انجیل برنابا تعلیم می دهد که شیطان خالق جهنم است. حال آنکه قرآن تعلیم می دهد که جهنم را خدا آفریده است، (۷) در این انجیل ادعا شده که عیسی گفته که مرد باید به یک زن اکتفا کند، حال آنکه قرآن اختیار حداکثر چهار زن را مجاز شمرده است (معلوم می شود ازدواج چون دین اسلام و دین یهود در مسیحیت هم پذیرفته شده است و تجرد گزینی که امروز آفت کلیساها است توصیه عیسی مسیح نبوده است).

۸. و این هم عشق و علاقه وافر من به حضرت عیسی (ع) برادر حضرت پیامبر (ص). لقب برادر را حضرت رسول (ص) به حضرت مسیح (ع) داده است:

برنابا انجیل تو باد. مخزن اسرار تو باد. خوش خبر ای تو خبر. مژده مشکات تو باد. نام تو عیسی مسیح، مادرت مریم عیسی مسیح. پدرت مژده عیسی مسیح. رب ها رب خلیل-رب جلیل. روح تو روح لطیف روح نظیف. ادب یوم جزا عیسی هست. مظهر لطف خدا عیسی هست. خوش نشان است عیسی. خوش لباس است عیسی. صد نماد است عیسی. عصر ما گفت عیسی. نسل ما گفت عیسی. از رسول گفت عیسی. از خدا گفت عیسی. منقبت مظهر دربار تو باد. مصلحت زنبق ادیان تو باد. روح تو روح خدا روح تو باد. نور ما نور قلیل نور تو باد. ثلث اولاد نگفت عیسی. ثلث عشاق نگفت عیسی. مرد توحید کجا مظهر تثلیث کجا؟ بانگ تکبیر کجا قائل تثلیث کجا؟ شک و تردید چرا غیر خدا نور مباد. عشق توحید کجاست مژده توجیه مباد. سوره ها سوره ماست. سوره تو سوره ماست. مادرت مریم ماست. مریم ما مادر ماست. اصلها اصلح ماست اصلح ما وصلت ماست. وصل لاهوت کجا وصله ناسوت کجا. اصل اصل نسخه ماست، نسخه گهواره ماست. نسخ گرجی و ترکی چه ثمر. نسخه توحید کجاست. نسخه در نصفه راه است. اینکه کجا قسمت ماست. به تو گفتند تو پدر. مادر تو ام پدر. حرف بد در سر بد. هرچه خداست بنده ماست. هرچه انجیل (متی، مرقس، لوقا، یوحنا) یکی است. نسخه توحید یکی است. نسخه ها مژده توست. عطر لغات بوی تو نیست. نسخه شیدای تو نیست. گفته شاداب تو نیست. غنچه باز است هنوز. غنچه خوش روی تو باد. لفظ احمد به برادر خوش باد.

کشف پاپیروس‌های باستانی (Papyrus Bible) در مصر

این اثر باستانی توسط یک باستان شناس انگلیسی در سال ۱۸۹۸ میلادی در میان کومه‌ای زیاله در روستای در صعید مصر یافت شد. گفته می‌شود این انجیل قدیمی‌ترین نسخه پیدا شده مربوط به حدود قرن دوم میلادی است که به زبان قبطی و بر روی کاغذ پاپیروس نوشته شده است. یک قطعه از این پاپیروس ها از همان ابتدای کشف جنجال برانگیز است آنجا که گفته شد حضرت عیسی مسیح (ع) دارای همسر بوده است.

معلوم است این حرف (ازدواج پیامبر خدا) به مذاق خیلی از مومنین خوش نیاید. قرآن در این مورد سکوت کرده است. زیرا اکثر پیروان حضرت مسیح به آیات صریح قرآنی در مورد زندگی واقعی حضرت مریم (س) و حضرت عیسی (ع) بی توجه بوده اند. هنوز هم اندر خم تثلیث پدر و پسر و روح القدس هستند.

لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ أَنْ يُهْلِكَ الْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ * وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّاؤُهُ قُلْ فَلِمَ يُعَذِّبُكُمْ بِذُنُوبِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بَشَرٌ مِمَّنْ خَلَقَ يَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ - کسانی که گفتند خدا همان مسیح پسر مریم است مسلما کافر شده اند بگو اگر خدا اراده کند که مسیح پسر

مریم و مادرش و هر که را که در زمین است جملگی به هلاکت رساند چه کسی در مقابل خدا اختیاری دارد فرمانروایی آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو است از آن خداست هر چه بخواهد می آفریند و خدا بر هر چیزی تواناست* و یهودان و ترسایان گفتند ما پسران خدا و دوستان او هستیم بگو پس چرا شما را به کیفر گناهانتان عذاب می کند؟ نه بلکه شما هم بشرید از جمله کسانی که آفریده است هر که را بخواهد می آفریزد و هر که را بخواهد عذاب می کند و فرمانروایی آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو می باشد از آن خداست و بازگشت [همه] به سوی اوست مائده/۱۷-۱۸).

و یا آیات ۷۷-۷۲ سوره مائده: لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ وَقَالَ الْمَسِيحُ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ- کسانی که گفتند خدا همان مسیح پسر مریم است قطعاً کافر شده اند و حال آنکه مسیح می گفت ای فرزندان اسرائیل پروردگار من و پروردگار خودتان را بپرستید که هر کس به خدا شرک آورد قطعاً خدا بهشت را بر او حرام ساخته و جایگاهش آتش است و برای ستمکاران یاورانی نیست (مائده/۷۳).

مرتب در این آیات، اهل نصاری را تقبیح می کند که تعدادی از آنها به غلط معتقد به تثلیث شدند. ایشان بطور یقین کافر شده اند و اگر توبه نکنند باید منتظر عذاب دردناک هم باشند.

مَا الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ وَأُمُّهُ صِدِّيقَةٌ كَأَنَّا بِكُلَّانِ الطَّعَامِ أَنْظَرُ كَيْفَ نُبَيِّنُ لَهُمُ الْآيَاتِ ثُمَّ أَنْظَرُ أَنِّي يُؤْفَكُونَ- مسیح پسر مریم جز پیامبری نبود که پیش از او نیز پیامبرانی آمده بودند و مادرش زنی بسیار راستگو بود هر دو غذا می خوردند بنگر چگونه آیات [خود] را برای آنان توضیح می دهیم سپس ببین چگونه [از حقیقت] دور می افتند (مائده/۷۵).

اما هنوز به خدای اعتقاد دارند که غذا می خورد! بزعم خودشان و نه قرآن به صلیب کشیده می شود و می میرد! به جای افتخار به قرآن که تکمله آیات واقعی تورات و انجیل است بر آن عناد می ورزند. اهل کتاب باید به این آیات رسیدند خضوع کنند:

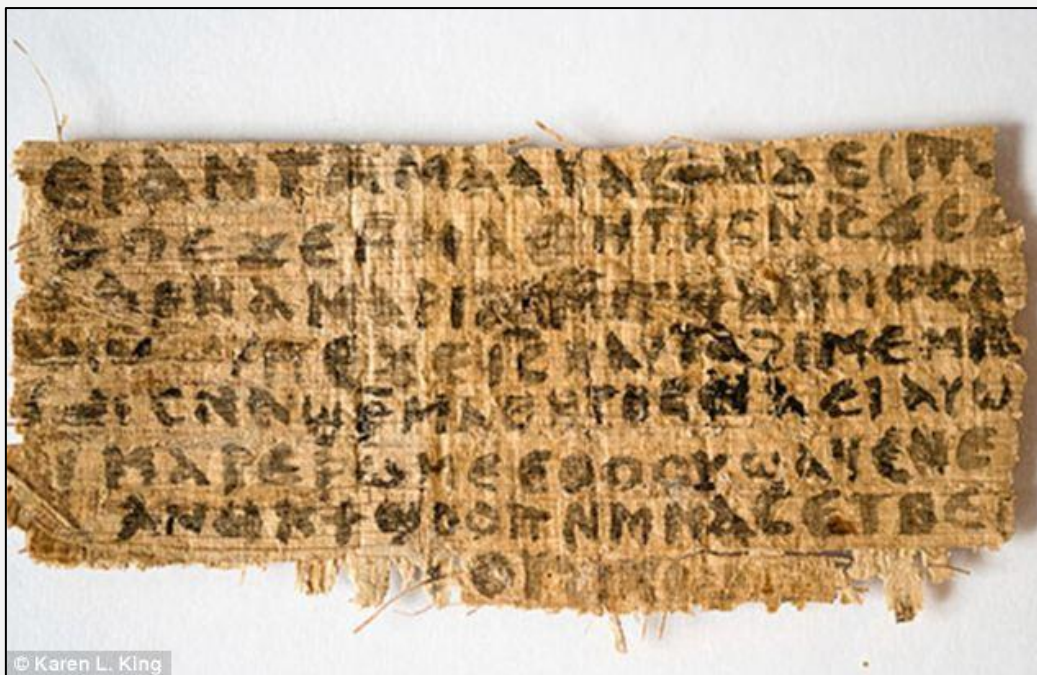
۱. يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ- ای اهل کتاب پیامبر ما (محمد رسول الله) به سوی شما آمده است که بسیاری از چیزهایی از کتاب آسمانی خود را که پوشیده می داشتید برای شما بیان می کند و از بسیاری خطاهای شما درمی گذرد قطعاً برای شما از جانب خدا روشنائی و کتابی روشننگر آمده است (مائده/۱۵).

۲. يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ عَلَى فِتْرَةٍ مِنَ الرُّسُلِ أَنْ تَقُولُوا مَا جَاءَنَا مِنْ بَشِيرٍ وَلَا نَذِيرٍ قَدْ جَاءَكُمْ بَشِيرٌ وَنَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ- ای اهل کتاب باز هم اخطار می کنم که فرستاده ما محمد (صلی الله علیه وآله)، بسوی شما آمد تا بعد از گذشتن دوران فترت که فرستادن رسولان را تعطیل کردیم معارف حقه ما را برایتان بیان کند تا نگوئید ما گناهی نداریم چون هیچ پیامبری نویدآور و بیم رسان برای ما نیامد، اینک نویدآور و بیم رسان به سویتان آمد و دیگر در منحرف شدن، هیچ بهانه ای ندارید و خدا بر هر چیز توانا است (مائده/۱۹)

بهسازی یا بازسازی دینی؟ کدامیک؟

شاید هم علت تاخیر، تنبه امت بود. تقییح عمل افراد خشک مذهبی بود که در آیات خود دستکاری کرده بودند و حاضر نبودند به هیچ وجه زیر بار حقیقت بروند. نه تنها زیر بارحق که به سمت عاقبت به خیری خود بروند. آیات ۲۱-۲۶ سوره مائده رسماً اعلام می کند که حتی حاضر نبودند پا به سرزمین مقدس بگذارند! به بهانه واهی که "آنجا مردمی زورمندند و تا آنان از آنجا بیرون نروند ما هرگز وارد آن نمی شویم!" معلوم است بهانه است. دشمن خود ایشان بودند که خلافکاری از طریق گمراهی مردم سود می بردند (مائده/۲۱). و گرنه راه پیروزی هم به ایشان ابلاغ شده بود "دو مرد از زمره کسانی که از خدا می ترسیدند و خدا به آنان نعمت داده بود گفتند از آن دروازه بر ایشان بتازید و وارد شوید که اگر از آن درآمدید قطعاً پیروز خواهید شد و اگر مؤمن اید به خدا توکل کنید" (مائده/۲۳).

معلوم است اگر به آیات قرآنی توجه می شد دیگر لازم نبود اگر بر روی یک قطعه پاپیروس (عکس زیر) مطلبی دست نوشته ائی بود که "مسیح به آنها گفت، همسر من.. می تواند از حواریونم باشد" از خود بیخود نمی شدند و برای آن ده ها توجیه نمی آوردند.



باید مقام پیامبر را در حد یک پیامبر دید نه بالاتر و نه پائین تر. وگرنه بوی کفر خواهد داد (مائده/۱۷). هیچکس جز او خدا نیست. لاشریک است. لم یلد و لم یولد است. نیاز به زاد و ولد ندارد زیرا انسان است. کاری های او برجسته است. فوق تصور بشر است. فعال مایشاء است. این خدا مقبول همه است. خدایان دیگر مفقودند. معذورند. مفلوک اند. دست ساز بشرند. بشری هم که آنها را ساخته و به ساختن خود ادامه می دهد خود یک بشر مجعول و معجون است. یک سامری است برای حیرانی افراد ضعیف:

یا که خود را در زمین حیران کنیم

یا که خود را در زمین پیدا کنیم

دانش ما گفت کجا خفته است

یا که در این خاک کجا مرده است

روی زمین یا که زمین خورده است

پشت در خانه ما خفته است

کار جهان نیست مگر این جهان

شاهد ما نیست مگر این جهان

اعظم و اکبر به ما گفته اند

راه جهان نیست مگر این جهان

هر که آمد طریقتی نو ساخت

در طریقت شریعتی نو ساخت

در سفارت عمارتی نو ساخت

همنوازی شعر ماست

لن ترانی میل ماست

این نباشد جرم ماست

چون نباشد ذهن ماست